

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۱)

رشته های ریاضی و فیزیک – علوم تجربی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

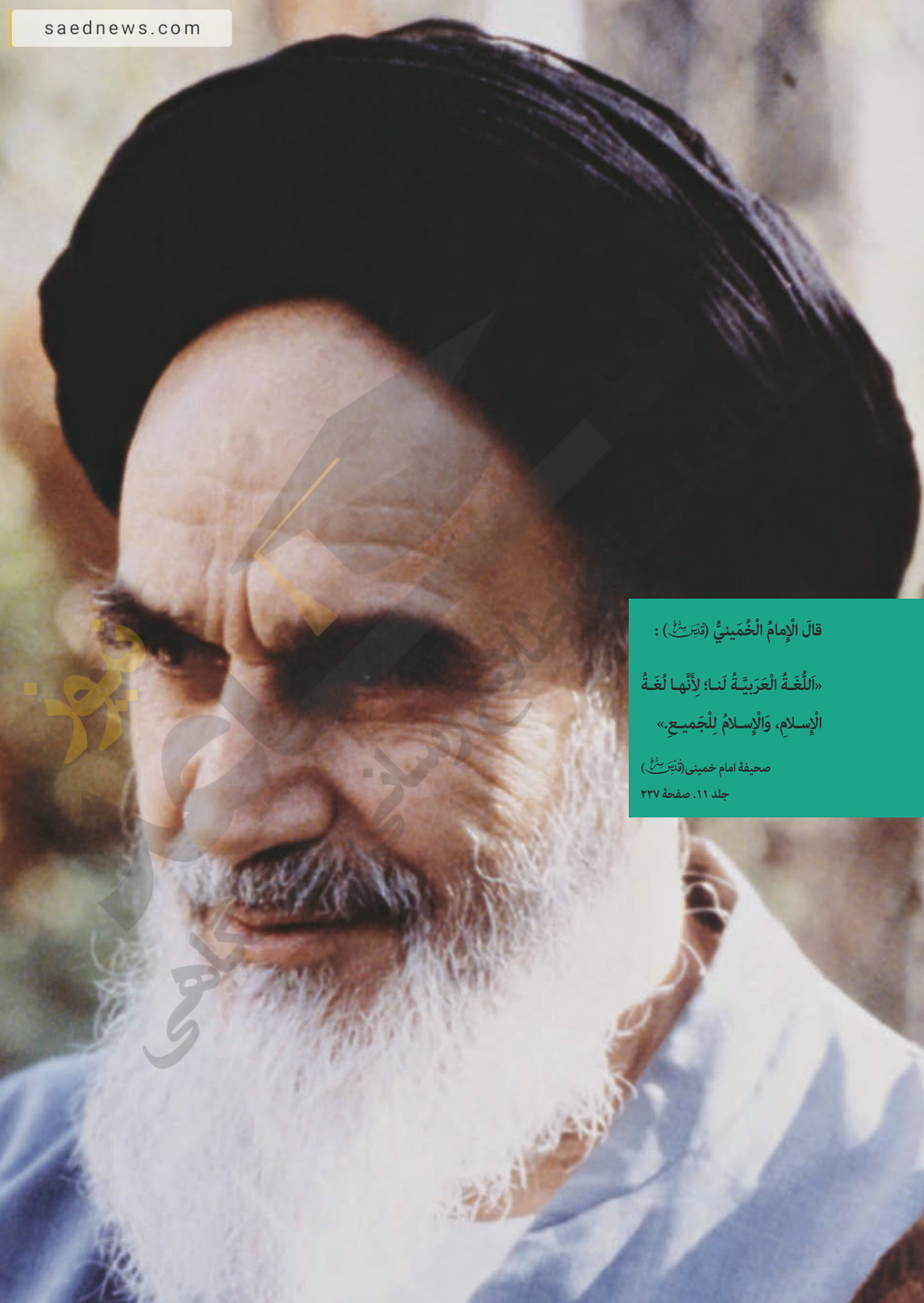


وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۶
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلبری، سیدمهدی سیف و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: اباذر عباچی، علی چراغی، محی‌الدین بهرام محمدیان و عادل اشکبوس (اعضای گروه تألیف) - عادل اشکبوس (سرگروه تألیف) - سیداکبر میرجعفری (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۲۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ پنجم ۱۳۹۹

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۹۹-۲

ISBN: 978-964-05-2499-2



قال الإمام الخميني (قده س):

«اللغة العربية لنا؛ لأنها لغة

الإسلام، والإسلام للجميع».

صحيفة امام خميني (قده س)

جلد ١١. صفحة ٢٢٧

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



الفهرس

■ بيشگفتار الف |

■ الدرس الأول ١ |

----- ذاك هو الله + اتعارف

■ الدرس الثاني ١١ |

----- المواعظ العددية + الأعداد من واحد إلى مئة + في مطار النجف

■ الدرس الثالث ٢٣ |

----- مطر السمك + أشكال الأفعال (١) + في قسم الجوازات

■ الدرس الرابع ٣٥ |

----- التعايش السلمي + أشكال الأفعال (٢) + في صالة التفتيش

■ الدرس الخامس ٤٧ |

----- ﴿هذا خلق الله﴾ + الجملة الفعلية و الاسمية + مع سائق سيارة الأجرة

■ الدرس السادس ٦١ |

----- ذوالقرنين + أفعال المجهول + مع مسؤول استقبال الفندق

■ الدرس السابع ٧٣ |

----- يا من في البحار عجائبه + أجار و المجرور و نون الوقاية + مع مشرف

----- خدمات الفندق

■ الدرس الثامن ٨٩ |

----- صناعة التلميع في الأدب الفارسي + اسم الفاعل و اسم المفعول و اسم المبالغة +

----- شراء شريحة الهاتف الجوال

پیشگفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به‌دقت مطالعه کرده باشد؛
۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد؛
۳. کتاب معلّم و نرم‌افزار «پر فراز آسمان» ویژه آموزش معلّمان را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش نخستین کتاب «عربی، زبان قرآن (۱)» ویژه پایه دهم رشته‌های غیر «ادبیات و علوم انسانی» به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا دهم متن محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه دهم بتواند در پایان سال تحصیلی متون و عبارات ساده قرآنی را در حد ساختارهای خوانده‌شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند. این کتاب با توجه به مصوّبات اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی هفتم تا دهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در این کتاب ۳۶۳ کلمه پرکاربرد به کار رفته و افزون بر آن نزدیک به ۸۵۰ واژه کتاب‌های عربی هفتم، هشتم و نهم نیز در کتاب دهم تکرار شده است؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۲۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است. ۵۵۲ واژه از ۸۵۰ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در سه کتاب دوره دوم متوسطه نیز چنین خواهد شد.

هدف اصلی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و نیز متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی؛ مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

(رعایت این تأکیدات در کنکور و مسابقات علمی، امتحان نوبت اول و دوم و کتاب‌های کمک آموزشی الزامی است. این نوشته به منزله بخشنامه رسمی است.)

۱. کتاب عربی پایه دهم در هشت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. این مقدار زمان در مجموع برای تدریس کل کتاب در طول سال کفایت می‌کند.

۲. دانش‌آموز پایه دهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمرار، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخَوْتُ الصَّغِيرَ»، وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی، و ساعت خوانی.

هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این است که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزيز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است. در ساعت خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است.

۳. درس اول دوره آموخته‌های پیشین است و در هفت درس دیگر نیز این مرور انجام شده است.

۴. در درس دوم عددها آموزش داده می‌شود. در دوره اول متوسطه عددهای اصلی و ترتیبی تا دوازده آموزش داده شده است. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست.

۵. دانش‌آموزان در دورهٔ اوّل متوسطه با فعل‌های مجرّد و مزید در کتاب درسی آشنا شده‌اند و در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرّد صحیح و سالم روبه‌رو شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید، مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند آمَنَ، اِبتَسَمَ، أَتَى، أَجَابَ، أَحَبَّ، احْتَرَقَ، اِشْتَرَى، أَصَابَ، أَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَذَرَ، زَادَ و ... هدف آموزشی درس سوم و چهارم این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اوّل با فعل‌هایی آشنا شوند که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید و تشخیص ثلاثی مجرّد و مزید و ذکر نوع باب و صیغهٔ فعل از اهداف آموزشی نیست. **فعل‌های معتل، مهموز، مضاعف و هر گونه فعلی که تغییرات پیچیدهٔ صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب فعل «استفاد» به کار رفته و فعل استفعال نیز آموزش داده شده است؛ از فعل اِسْتَفَدَ سؤال طرح نمی‌شود؛ ولی اگر معنای اِسْتَفَادَت را در جمله بخواهیم، اشکالی ندارد؛ چون تغییراتی در مقایسه با اِسْتَفَادَ ندارد.** در بخش واژه‌نامه در انتهای کتاب مضارع و مصدر فعل‌های ماضی ثلاثی مزید نوشته شده است تا دانش‌آموز کم کم این فعل‌ها را بشناسد.

۶. در درس پنجم جملهٔ اسمیه و فعلیه تدریس می‌شود. هدف شناخت اجزای جمله یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اِعراب کلمات هدف نیست. کتاب کاملاً حرکت‌گذاری شده است تا دانش‌آموز با خواندن متون و عبارات ذوق پیدا کند و به تدریج با اِعراب کلمات آشنا شود.

۷. در درس ششم فعل مجهول تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند؛ تبدیل جملهٔ دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست. ۸. در درس هفتم معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانش‌آموز باید بتواند حروف جر و جار و مجرور را در جمله درست تشخیص داده و ترجمه کند.

۹. در درس هشتم مهم‌ترین وزن‌های اسم‌های مشتق تدریس می‌شود. فقط شناخت نوع آنها و دانستن معنایشان مطلوب است. تشخیص جامد از مشتق و ساختن اسم مشتق از فعل ارائه شده هدف کتاب نیست.

۱۰. نیازی به ارائهٔ جزوهٔ مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۱۱. پژوهش‌های هر درس، نمایش، سرود، ترجمهٔ تصویری و داستان‌نویسی، کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود.

۱۲. تحلیل صرفی و اِعراب، تعریب، تشکیل و اِعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۳. آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های متوسطه اول بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این گونه بود: «هَوَ، هُمَا، هُم، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمَا، أَنْتُنَّ، أَنَا، نَحْنُ».

شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند.

۱۴. تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۵. معنای کلمات در امتحان در جمله خواسته می‌شود.

۱۶. در بخش أنوار القرآن فقط معنای کلماتی مدّ نظر است که به شکل «جای خالی»، «زیرخط‌دار» یا «دو گزینه‌ای» طراحی شده است. به عبارت دیگر معنای سایر کلمات، هدف نیست. ضمناً این بخش برای کار در منزل است و دبیر فقط در صورت داشتن وقت می‌تواند در کلاس کار کند؛ اما در هر حال در امتحان از آن سؤال طرح می‌شود.

۱۷. روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۸. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حلّ تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد.

۱۹. از طریق وبگاه دفتر تألیف می‌توان با نحوه تهیه کتاب معلّم، نرم‌افزار بر فراز آسمان، بارم‌بندی و نمونه سؤال استاندارد آشنا شد. همچنین در شبکه ملی مدارس (رشد) اطلاعات سودمند بسیاری را می‌توان به دست آورد.

۲۰. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانش‌آموزان با این شیوه از دوره اول متوسطه به دوره دوم متوسطه آمده‌اند.

www.arabic-dept.talif.sch.ir

نشانی وبگاه گروه عربی:

سخنی با دانش‌آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث و دعاست؛ زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی کامل، پرمعنا و قوی است؛ ادبیات آن غنی است و ...

این کتاب ادامه سه کتاب پیشین است. هرآنچه در سه سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید.

استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید و درست بفهمید و ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.

«کتاب گویا» نیز برای پایه تحصیلی تهیه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید.

ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ [الأنعام: ١]

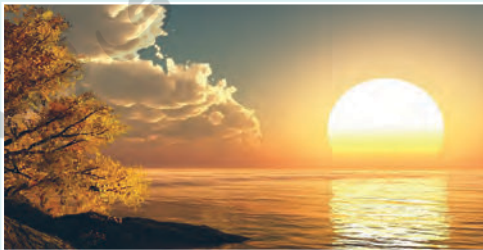
ستایش از آن خدایی است که آسمانها و زمین را آفرید و
تاریکیها و روشنایی را بنهاد.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

أَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِرَةِ^١
 كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ
 فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ



وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَهُ
 فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَهُ
 مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرِ



ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمِرَهُ
 ذُو حِكْمَةٍ بِالِغَةِ وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَهُ

١- الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرِّضَايِّ، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِي كُرْدَيْي النَّسَبِ وَ أُمُّ تَرْكَمَانِيَّةٍ. لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشَّعْرِ.



أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ
وَزَانَهُ بِأَنْجُمٍ
أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ
كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرِهِ



وَأَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ
أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

مُسْتَعْرَة: فروزان

مُنْهَمِرَة: ریزان

نَضْرَة: تر و تازه

نَمَتْ: رشد کرد «مُوْتَثِّ نَمَا»

يُخْرِجُ: در می آورد

ذات: دارای

ذَاكَ: آن

ذو: دارای

زَان: زینت داد

شَرَرَة: اخگر (پاره آتش)

ضیاء: روشنایی

غُصُون: شاخه ها «مفرد: غُصْن»

غَیْم: ابر

قُل: بگو

أَنْجُم: ستارگان «مفرد: نَجْم»

أَنْزَلَ: نازل کرد

أَنْعَم: نعمت ها

أَوْجَدَ: پدید آورد

بَالِغ: کامل

جَدْوَة: پاره آتش

دُرَر: مرواریدها «مفرد: دُر»

ذَا: این ← هَذَا

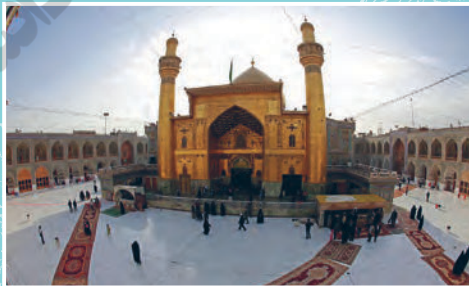
«مَنْ ذَا: این کیست؟»

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار

(التعارُف^۱ في مطارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ)

زائرُ مَرْقَدِ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ	أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ ^۲
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.	وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.
صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.	صَبَاحَ النُّورِ وَالسُّرُورِ.
كَيْفَ حَالُكَ؟	أَنَا بِخَيْرٍ، وَكَيْفَ أَنْتَ؟
بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.	عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ.
هَلْ سافَرْتَ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟	لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ ^۴ . لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ ^۵ .
إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانِ!	إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حَفِظِهِ، يَا حَبِيبِي.



۱- تعارف: آشنایی ۲- قاعة: سالن ۳- مطار: فرودگاه ۴- مع الأسف: متأسفانه ۵- أن أسافر: که سفر کنم

إِعْلَمُوا صَيَغُ الْأَفْعَالِ

نام صیغه به فارسی ^۱	ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	من	أَنَا	فَعَلْتُ	أَفْعُلْ	
دوم شخص مفرد	تو	أَنْتَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلْ	لا تَفْعَلْ
		أَنْتِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	لا تَفْعَلِي
سوم شخص مفرد	او	هُوَ	فَعَلَ	يَفْعُلْ	
		هِيَ	فَعَلَتْ	تَفْعَلْ	
اول شخص جمع	ما	نَحْنُ	فَعَلْنَا	نَفْعُلْ	
دوم شخص جمع	شما	أَنْتُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	لا تَفْعَلُوا
		أَنْتُنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	لا تَفْعَلَا
		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	لا تَفْعَلَا
سوم شخص جمع	ایشان	هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	
		هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	
		هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	
		هُمَا	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ	

۱- ارزشیابی از نام صیغه به صورت اول شخص مفرد، مفرد مذکر غایب یا للغائب از اهداف کتاب درسی نیست؛ لذا در امتحانات و کنکور از آن سؤال طرح نمی‌شود.

التمرين الأول: تَرْجِمْ^١ هَذِهِ الْجُمْلَ، وَاكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

لا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ:

اَكْتُبْ رِسَالَتَكَ:

هُنَّ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ:

اَكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ:

إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا:

سَأَكْتُبُ دَرْسِي:

كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدَقَّةٍ:

مَا كَتَبْتُمْ تَمَارِينَكُمْ:

التَّمرينُ الثَّاني: صَعُ¹ في الدَّائِرَةِ العَدَدِ المُناسبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- الشَّرَرَةُ ○ مَنِ الأَحجارِ الجَمِيلَةِ الغَالِيَةِ ذاتِ اللَّونِ الأَبْيَضِ.
- ٢- الشَّمْسُ ○ جَذَوْتُها مُسْتَعِرَةً، فيها ضياءٌ وَ بها حَرارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
- ٣- القَمَرُ ○ كَوَكَبٌ يَدُورُ² حَوْلَ الأرضِ؛ ضياؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
- ٤- الأَنْعُمُ ○ بُخارٌ مُتراكِمٌ في السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ المَطَرُ.
- ٥- الغَيْمُ ○ مِنَ المَلابِسِ النِّسائِيَّةِ ذاتِ الألوانِ المُخْتَلِفَةِ.
- ٦- الفُسْتانُ ○ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.
- ٧- الدَّرَرُ

التَّمرينُ الثَّالثُ: صَعُ هَذِهِ الجُمَلِ وَ التَّراكيبِ في مَكانِها المُناسبِ.

هُؤْلَاءِ فائِزاتُ / هَذاكِ الدَّلِيلانِ / تِلْكَ البَطَّارِيَةُ / أُولَئِكَ الصَّالِحونَ / هُؤْلَاءِ الأَصْدِقاءُ / هاتانِ زُجَاجَتانِ

مثنى مؤنث	مثنى مذكر	مفرد مؤنث
جمع مكسر	جمع مؤنث سالم	جمع مذكر سالم

التَّمرينُ الرَّابِعُ : اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

١- نَاصِرٍ، مَنصُورٍ، أَنصَارٍ:

٢- صَبَّارٍ، صَبُورٍ، صَابِرٍ:

التَّمرينُ الْخَامِسُ: صَغِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. = ≠

ضِيَاءٌ / نَامٌ / نَاجِحٌ / مَسْرُورٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / نِهَآيَةٌ / يَمِينٌ / غَالِيَةٌ / شِرَاءٌ / مَسْمُوحٌ / مُجِدٌّ

رَخِيصَةٌ ≠	رَاسِبٌ ≠	يَسَارٌ ≠
بَيْعٌ ≠	بِدَايَةٌ ≠	بَعِيدٌ ≠
رَقَدَ =	قَبِيحٌ ≠	نُورٌ =
حَزِينٌ ≠	مُجْتَهِدٌ =	مَمْنُوعٌ ≠

التَّمرينُ السَّادِسُ: ارْسُمِ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ



الْخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ

١- فَرَاغٌ: جَاي خَالِي

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ
مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيِّ.

جِبَالُ كَبِيرُوه فِي مَدِينَةِ بَدْرَةِ بِمُحَافَظَةِ إِيلَام



﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

آل عمران: ١٩١



الدَّرْسُ الثَّانِي



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً.

ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.



صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَالِهِ وَسَلَّمَ

الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ

سُبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَهُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، أَوْ أَجْرَى

نَهْرًا، أَوْ حَفَرَ بَيْرًا، أَوْ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَثَ مُصْحَفًا، أَوْ تَرَكَ
وَلَدًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةً جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءًا وَأَنْزَلَ
فِي الْأَرْضِ جُزْءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَاخُمُ الْخَلْقُ.

إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ، وَطَعَامُ الْإِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَالْأَرْبَعَةَ،
كُلُوا جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَةَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.

إِثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ
بِالْجَمَاعَةِ.

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.

أَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجْعُ وَالْعَدَاوَةُ وَالنَّارُ.

الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، تِسْعَةُ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

أَجْرِي: جاری کرد

أَخْلَصَ: مُخلص شد

أَمْسَكَ: به دست گرفت و نگه داشت

بَنَى: ساخت

عَلَّمَ: یاد داد

عَرَسَ: کاشت

كُلُوا: بخورید

لَا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید

مِثَّة: صد

وَرَثَ: به ارث گذاشت

يَتَرَاخَمُ الْخَلْقُ: آفریدگان به هم

مهربانی می کنند

يَجْرِي: جاری است ، جاری می شود

يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می خواهد

يَكْفِي: بس است

يَكْفِي الْاِثْنَيْنِ: برای دو نفر

بس است

يَنَابِيع: جوی های پر آب، چشمه ها

«مفرد: يَنْبُوع»

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- يَجْرِي أَجْرُ حَفْرِ الْبَيْرِ لِلْعَبْدِ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ.

۲- أَنْزَلَ اللَّهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا مِنَ الرَّحْمَةِ لِلْخَلْقِ.

۳- يَجْرِي أَجْرُ اسْتِغْفَارِ الْوَلَدِ لِلْوَالِدَيْنِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا.

۴- إِنَّ طَعَامَ الْاِثْنَيْنِ لَا يَكْفِي الثَّلَاثَةَ.

إِعلَمُوا

الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

الْأَعْدَادُ الْأَصْلِيَّةُ (وَاحِدٌ إِلَى عِشْرِينَ)		الْأَعْدَادُ التَّرْتِيبِيَّةُ (الْأَوَّلُ إِلَى الْعِشْرِينَ)	
وَاحِدٌ ١	أَحَدَ عَشَرَ ١١	الْأَوَّلُ ١م	الْأَحَادِي عَشَرَ ١١م
إِثْنَانِ ٢	إِثْنَا عَشَرَ ١٢	الثَّانِي ٢م	الثَّانِي عَشَرَ ١٢م
ثَلَاثَةٌ ٣	ثَلَاثَةَ عَشَرَ ١٣	الثَّالِثُ ٣م	الثَّالِثَ عَشَرَ ١٣م
أَرْبَعَةٌ ٤	أَرْبَعَةَ عَشَرَ ١٤	الرَّابِعُ ٤م	الرَّابِعَ عَشَرَ ١٤م
خَمْسَةٌ ٥	خَمْسَةَ عَشَرَ ١٥	الخَامِسُ ٥م	الخَامِسَ عَشَرَ ١٥م
سِتَّةٌ ٦	سِتَّةَ عَشَرَ ١٦	السَّادِسُ ٦م	السَّادِسَ عَشَرَ ١٦م
سَبْعَةٌ ٧	سَبْعَةَ عَشَرَ ١٧	السَّابِعُ ٧م	السَّابِعَ عَشَرَ ١٧م
ثَمَانِيَةٌ ٨	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ ١٨	الثَّامِنُ ٨م	الثَّامِنَ عَشَرَ ١٨م
تِسْعَةٌ ٩	تِسْعَةَ عَشَرَ ١٩	التَّاسِعُ ٩م	التَّاسِعَ عَشَرَ ١٩م
عَشْرَةٌ ١٠	عِشْرُونَ ٢٠	الْعَاشِرُ ١٠م	الْعِشْرُونَ ٢٠م
			مِئَةٌ ١٠٠م

- ١- به کلمات «رِجَالٍ» و «گُوكِبَاءَ» در «خَمْسَةُ رِجَالٍ» و «أَحَدَ عَشَرَ گُوكِبَاءَ» معدود^۱ گفته می شود.
- ٢- گاهی عددهای ثَلَاثَةٌ تا عَشْرَةٌ بدون «ة» می آیند؛ مثال: ثَلَاثٌ و ثَلَاثَةٌ؛ أَرْبَعٌ و أَرْبَعَةٌ.
- ٣- «مِئَةٌ» به معنای «صد» به صورت «مِائَةٌ» نیز نوشته می شود.
- ٤- عددهای عِشْرُونَ، ثَلَاثُونَ، أَرْبَعُونَ ... و تِسْعُونَ به صورت عِشْرِينَ، ثَلَاثِينَ، أَرْبَعِينَ ... و تِسْعِينَ نیز می آیند.
- ٥- در زبان عربی یکان پیش از دهگان می آید؛ مثال: خَمْسَةُ و عِشْرُونَ یعنی بیست و پنج.

١- دانستن قواعد معدود از اهداف کتاب نیست.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

﴿ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ الْأَعْرَافُ: ١٤٢

﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾ الْأَعْرَافُ: ١٥٥

﴿سَبْعَةُ أَبْوَابٍ﴾ الْحَجَرِ: ٤٤

﴿سِتِّينَ مَسْكِينًا﴾ الْمُجَادَلَةُ: ٤

﴿سِتَّةَ أَيَّامٍ﴾ ق: ٣٨

﴿مِثَّةُ حَبَّةٍ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٦١

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار (في مطار النجف الأشرف)

سائح ^۱ من إيران	سائح من الكويت
السلام عليكم.	و عليكم السلام ورحمة الله وبركاته.
مساء الخير يا حبيبي.	مساء النور يا عزيزي.
هل حضرتك من العراق؟	لا؛ أنا من الكويت. أنت من باكستان؟
لا؛ أنا إيراني. كم مرة جئت للزيارة؟	جئت للمرة الأولى؛ و كم مرة جئت أنت؟
أنا جئت للمرة الثانية.	كم عمرك؟
عُمري ستّة عشر عاماً.	من أي مدينة أنت؟
أنا من مدينة جوبيار في محافظة مازندران.	ما أجمل ^۲ غابات مازندران و طبيعتها!
هل ذهبت إلى إيران من قبل؟!	نعم؛ ذهبت لزيارة الإمام الرضا، ثامن أئمتنا عليه السلام .
كيف وجدت إيران؟	إن إيران بلاد جميلة جداً، و الشعب ^۳ الإيراني شعب مضياف ^۴ .



۱- سائح: گردشگر ۲- ما أجمل: چه زیباست! ۳- شعب: ملت ۴- مضياف: مهمان‌دوست

التمرين الأول: اكتب العمليات الحسابية التالية كالمثال.

(+ زائد^١) (- ناقص^٢) (÷ تقسيم على) (× في، ضرب في)

$$١٠ \times ٣ = ٣٠$$

١- عشرة^٣ في ثلاثة يساوي^٤ ثلاثين.

٢- تسعون ناقص عشرة يساوي ثمانين.

٣- مئة تقسيم على خمسة يساوي عشرين.

٤- ستة في أحد عشر يساوي ستة وستين.

٥- خمسة وسبعون زائد خمسة وعشرين يساوي مئة.

٦- اثنان وثمانون تقسيم على اثنين يساوي واحداً وأربعين.

التمرين الثاني: اكتب في الفراغ عدداً ترتيبياً مناسباً.

١- اليوم الـ من أيام الأسبوع يوم الأحد.

٢- اليوم الـ من أيام الأسبوع يوم الخميس.

٣- الفصل الـ في السنة الإيرانية فصل الشتاء.

٤- الفصل الـ في السنة الإيرانية فصل الصيف.

٥- يأخذ الفائز الأول جائزة ذهبية والفائز الـ جائزة فضية.

٣- برای اختصار کلمه «ضرب» در «ضرب في» حذف می‌شود.

١- زائد: به علاوه ٢- ناقص: منهای

٤- يساوي: مساوی است

التمرين الثالث: اكتب في الفراغات أعداداً مناسبة.

من واحد إلى ثلاثين				
.....	أربعة	ثلاثة		واحد
عشرة	تسعة		سبعة	
.....	أربعة عشر	ثلاثة عشر		أحد عشر
عشرون		ثمانية عشر	سبعة عشر	
.....	أربعة وعشرون		اثنان وعشرون	واحد وعشرون
ثلاثون		ثمانية وعشرون		ستة وعشرون

من عشرين إلى تسعين			
خمسون	أربعون		عشرون
تسعون		سبعون	

التَّمَرِينُ الرَّابِعُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا مِنَ الْأَعْدَادِ التَّالِيَةِ ثُمَّ تَرَجِّمِ الْجُمْلَ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ.»

عَشْرُ / مِئَةٌ / خَمْسُ / عِشْرِينَ / خَمْسِينَ / ثَلَاثَةٌ

١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا عَامًا﴾ الْعَنْكَبُوتُ: ١٤
٩٥٠ سال

٢- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ أَمْثَالُهَا﴾ الْأَنْعَامُ: ١٦٠

٣- الصَّبْرُ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ.
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- عِلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ الْوَرَعُ فِي الْخُلُوعِ، وَالصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ
الْمُصِيبَةِ، وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَالصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ.
الْإِمَامُ السَّجَّادُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١- أَرْسَلْنَا: فرستادیم ٢- لَبِثَ: درنگ کرد ٣- جَاءَ بِ: آورد ٤- حِلْمٌ: بردباری



التَّمرينُ الْخامِسُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ...

- ١- ... الْكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعٍ^١ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةٍ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟
- ٢- ... النَّمْلَةُ^٢ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ^٣ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟
- ٣- ... ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشَرَاتٌ؟
- ٤- ... الْغُرَابُ يَعِيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ؟
- ٥- ... طَوْلُ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتُّ أَمْتَارٍ؟ (أَمْتَار: جَمْعُ مِتْر)



التَّمرينُ السَّادِسُ: اُكْتُبِ السَّاعَةَ بِالْأَرْقَامِ.

- ١- الْوَاحِدِيَّةُ عَشْرَةٌ إِلَّا عَشْرَ دَقَائِقَ.
- ٢- الْسَّاعَةُ وَ عِشْرُونَ دَقِيقَةً.
- ٣- الثَّانِيَّةُ عَشْرَةٌ تَمَامًا.
- ٤- الْسَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا.
- ٥- الْخَامِسَةُ وَ النِّصْفُ.

.....

.....

.....

.....

.....

❀ أَنْوَارُ الْقُرْآنِ ❀



كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ طه: ۲۵ إلى ۲۸

پروردگارا را برایم بگشای و کارم را آسان گردان و
گره از بگشا [تا] سخنم را بفهمند.

۲- ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾
البقرة: ۲۰۱

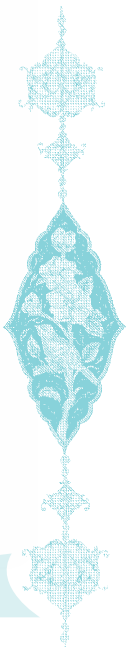
ای پروردگار ما، در دنیا به ما نیکی و [نیز] نیکی بده و ما را از
عذاب نگاه دار.

۳- ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ
عِنْدَ اللَّهِ﴾ البقرة: ۱۱۰

و را برپای دارید و زکات بدهید و هرچه را از کار نیک برای
..... پیش بفرستید، خدا می یابید.

۴- ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ﴾ البقرة: ۲۵۰

پروردگارا صبر عطا کن و استوار کن و ما را بر
مردم کافر



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ آيَةٍ وَاحِدَةٍ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَ حَدِيثٍ وَاحِدٍ فِي نَهْجِ الْفَصَاحَةِ فِيهِمَا
عَدَدٌ عَلَى حَسَبِ ذَوِقِكَ.



﴿فَافْرَوْوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾
الْمَزْمَل: ٢٠

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَاباً فَيَبْسُطُهُ فِي

السَّمَاءِ...﴾ الرُّوم: ٤٨

خدا همان کسی است که بادهای را می‌فرستد و [بادهای] ابری را

برمی‌انگیزند و [خدا] آن [ابری] را در آسمان می‌گستراند.

مَطَرُ السَّمَكِ

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَساقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ
وَالنَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ وَلَكِنْ أَيْمُكُنْ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ
ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! حَسَنًا فَانْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.



انْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتِ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِرُ أَسْمَاكَ.
يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ». حَبِرتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ
طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.

يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكَ الْوُسْطَى.



تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. فَيَلاحِظُ النَّاسُ غَيَمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً
وَرَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الْأَرْضُ
مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِيَطْبَخُهَا وَ تَنَاوُلُهَا.



حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِمَازَاةِ الْمَكَانِ وَ
التَّعَرَّفِ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَسَاقُطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدُوا أَنَّ
أَكْثَرَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكِ
لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ بَلْ بِمِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِائَتَيْ
كِيلُومِترٍ عَنِ مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ.

مَا هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟! يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكِ إِلَى
السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَيَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَسَاقُطُ عَلَى الْأَرْضِ.
يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّوْنَهُ «مِهْرَجَانِ مَطَرِ السَّمَكِ».



ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: ظواهر»	التَّعَرُّفُ عَلَى: شناختن	أَثَارَ: برانگیخت
فِلم: فیلم «جمع: أفلام»	ثَلْج: برف، یخ «جمع: ثُلُوج»	إِحْتَفَل: جشن گرفت
لَاخِظَ: ملاحظه کرد	حَسَنًا: بسیار خوب	أَصْبَحَ: شد
الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِي: اقیانوس اطلس	حَيَّرَ: حیران کرد	إِعْصَار: گردباد
مَفْرُوش: پوشیده، فرش شده	سَحَبَ: کشید	أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی
مِهْرَجَان: جشنواره	سَمَى: نامید	أَمَطَر: باران بارید
نُزُول: پایین آمدن، بارش	سَوْدَاء: سیاه (مؤنثِ أَسْوَد)	بَسَطَ: گستراند
	سَنَوِي: سالانه	بَعْدَ: دور شد
	صَدَّقَ: باور کرد	تَرَى: می بینی، ببینی
	حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی	تَسَاقَطَ: پی در پی افتاد

x

✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهِنْدُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَيُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانُ الْبَحْرِ».
- ۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ.
- ۳- يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.
- ۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.
- ۵- تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.

إِعْلَمُوا

أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (١)

فعل‌ها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» به دو گروه تقسیم می‌شود.

گروه اول: فعل‌هایی که فقط از حروف اصلی تشکیل می‌شود.

گروه دوم: فعل‌هایی که علاوه بر حروف اصلی، حروف زائد دارد.^۱

بیشتر فعل‌های «ماضی سوم شخص مفرد» که در متوسطه اول با آن آشنا شدید از سه حرف اصلی تشکیل می‌شد؛ مانند خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

«ماضی سوم شخص مفرد» برخی فعل‌ها نیز بیشتر از سه حرف است؛ مانند اسْتَخْرَجَ، اعْتَرَفَ، انْقَطَعَ و تَشَكَّرَ؛ در کتاب‌های عربی متوسطه اول تا حدودی با چنین فعل‌هایی آشنا شده بودید.

اکنون با فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، بیشتر آشنا شوید.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصْدَرُ ^۲
اسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعِلْ	اسْتِفْعَال
اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَال
انْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	انْفَعِلْ	انْفِعَال
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّل

۱- تدریس مبحث ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید از اهداف آموزشی کتاب درسی نیست؛ لذا در امتحانات و کنکور سؤالی از آن طرح نمی‌شود.

۲- دانش‌آموز باید وزن فعل‌ها و مصدرهای این جدول را حفظ باشد و توانایی تشخیص آنها را داشته باشد.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصَدَر
اِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می گیرد	اِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	اِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
اِسْتَعَلَ: کار کرد	يَسْتَعِلُّ: کار می کند	اِسْتَعِلْ: کار کن	اِسْتِعَال: کار کردن
اِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتَحُ: باز می شود	اِنْفَتَحْ: باز شو	اِنْفِتَاح: باز شدن
تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش آموخته می شود	تَخَرَّجْ: دانش آموخته شو	تَخَرُّج: دانش آموخته شدن

اِخْتَبَرِ نَفْسَكَ:

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

ماضي	مضارع	اِسْتَعْفَرَ:	يَسْتَعْفِرُ:
امر	مصدر	اِسْتَعْفِرْ:	اِسْتِعْفَار: آمرزش خواستن

ماضي	مضارع	اِعْتَذَرَ:	يَعْتَذِرُ:
امر	مصدر	اِعْتَذِرْ:	اِعْتِذَار: پوزش خواستن

ماضي	مضارع	اِنْقَطَعَ:	يَنْقَطِعُ:
امر	مصدر	اِنْقَطِعْ:	اِنْقِطَاع: بُريده شدن

ماضي	مضارع	تَكَلَّمَ:	يَتَكَلَّمُ:
امر	مصدر	تَكَلَّمْ:	تَكَلُّم: سخن گفتن

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار

(في قِسمِ الْجَوَازَاتِ^١ في المَطَارِ)

شُرطِي إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ	الْمُسَافِرُ الْإِيرَانِيُّ
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟	نَحْنُ مِنْ إِيْرَانٍ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابُل.
مَرْحَبًا بِكُمْ ^٢ . شَرَفْتُمُونَا ^٣ .	أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.
مَا شَاءَ اللَّهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!	أُحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ.
كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ ^٤ ؟	سِتَّةٌ: وَالِدَايَ وَ اخْتَايَ وَ اخَوَايَ ^٥ .
أَهْلًا بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بِلَاقَاتُ ^٦ الدُّخُولِ؟	نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ.
الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْيَسَارِ لِتَتَفَتَّشَ ^٧ .	عَلَى عَيْنِي.
رَجَاءً؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.	نَحْنُ جَاهِزُونَ ^٨ .



١- جَوَاز: گذرنامه ٢- مَرْحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید ٣- شَرَفْتُم: مشرف فرمودید ٤- مُرَافِق: همراه ٥- وَالِدَايَ وَ اخْتَايَ وَ اخَوَايَ: پدر و مادر، دو خواهرم و دو برادرم ٦- بِلَاقَةُ: کارت، بلیت ٧- تَفَتَّشَ: بازرسی ٨- جَاهِز: آماده

التمارين

التمرين الأول: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ x

- ١- الْمِهْرَجَانُ اخْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمِهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مِهْرَجَانِ الْأَفْلامِ.
- ٢- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ.
- ٣- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالتَّوْرُوزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ.
- ٤- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.
- ٥- الْأَعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.

التمرين الثاني: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- | | | | |
|--|--|---|---|
| ١- الْمَاضِي مِنْ «يَنْقَطِعُ» : | ☐ انْقَطَعَ | ☐ قَطَعَ | ☐ تَقَطَّعَ |
| ٢- الْمُضَارِعُ مِنْ «اسْتَرْجَعَ» : | ☐ يُرَاجِعُ | ☐ يَرْجِعُ | ☐ يَسْتَرْجِعُ |
| ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَعَلَّمَ» : | ☐ اسْتِعْلَام | ☐ تَعَلَّمَ | ☐ تَعْلِيم |
| ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تَسْتَمِعُ» : | ☐ اسْتَمِعْ | ☐ تَسْمَعْ | ☐ اسْمَعْ |
| ٥- النَّهْيُ مِنْ «تَحْتَفِلُ» : | ☐ مَا احْتَفَلْ | ☐ لَا تَحْتَفِلْ | ☐ لَا تَحْتَفِلْ |
| ٦- الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «يَبْتَسِمُ» : | ☐ سَيَبْتَسِمُ | ☐ ابْتِسَام | ☐ ابْتَسِمَ |

الْتَمَرِينَ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

۱- ﴿فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ﴾ آل عمران : ۱۳۵

۲- ﴿فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ يونس : ۲۰

۳- ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ...﴾ الْمَزَّمَل: ۱۰

۴- النَّاسُ نِيَامٌ^۱؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا^۲. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۵- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ^۳ وَ الْبَهَائِمِ^۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی

آراسته به حدیث پیامبر اسلام ﷺ

۱- نیام: خفتگان ۲- انْتَبَهَوْا: بیدار شدند (بیدار شوند) ۳- بَقَاع: قطعه‌های زمین (مفرد: بُقْعَة)

۴- بَهَائِم: چارپایان

التَّمرينُ الرَّابِعُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- | | |
|-----------------|---|
| ١- الْمَسْجِدُ | ☐ يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَّابُ. |
| ٢- الْمِشْمِشُ | ☐ عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ. |
| ٣- الْيَنْبُوعُ | ☐ فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضًا. |
| ٤- الْمَوْتُ | ☐ بَيْتٌ مُقَدَّسٌ لِأَدَاءِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ. |
| ٥- اللَّيْلُ | ☐ الْوَقْتُ الْمُمْتَدُّ مِنْ مَغْرِبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ. |
| ٦- الصَّفُّ | |

التَّمرينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / مِهْرَجَانُ / نَزُولَ

/ / / /

التَّمرينُ السَّادِسُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا.

- | | | |
|--|------------------------------------|------------------------------------|
| ١- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ..... لِدُنْيَاكَ﴾ غافر: ٥٥ | ☐ اسْتَخْفِرْ | ☐ اسْتَرْجِعْ |
| ٢- إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسَوْفَ..... كُلُّنَا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ. | ☐ تَخَرَّجْنَا | ☐ تَتَخَرَّجُ |
| ٣- إِلَهِي قَدْ..... رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَ أَنْتَ رَجَائِي. | ☐ انْقَطَعَتْ | ☐ انْقَطَعَ |
| ٤- كَانَ صَدِيقِي..... وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ. | ☐ يَصْدُقُ | ☐ يَنْتَظِرُ |
| ٥- أَنَا وَ زَمِيلِي..... رَسَائِلَ عَبْرٍ ^١ الْإِنْتَرْنِتِ. | ☐ اسْتَلَمْتُ | ☐ اسْتَلَمْنَا |

❀ أَنْوَارُ الْقُرْآنِ ❀

إِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.

۱- ﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ يوسف: ۸۷

و از رحمت خدا ناامید نشوید ☐ نشدند ☐ ؛ زیرا جز مردم کافر کسی از رحمت خدا ناامید نشده است ☐ نمی‌شود ☐ .

۲- ﴿أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ النحل: ۱۲۵

با دانش و فرمان ☐ اندرز ☐ نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که خوب ☐ بهتر ☐ است گفت‌وگو کن.

۳- ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي﴾ البقرة: ۱۵۲

پس ما را ☐ مرا ☐ یاد کنید؛ تا شما را یاد کنم و از من سپاس‌گزاری کنید ☐ شکرگزاری کنید ☐ .

۴- ﴿لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾

خدا به کسی جز به اندازه توانش ☐ درخواستش ☐ تکلیف نمی‌دهد؛

۵- ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ البقرة: ۲۸۶

هرکس آنچه را که [از خوبی‌ها] کسب کرده، به سودش ☐ زیانش ☐ است، و آنچه را [نیز که از بدی‌ها] کسب کرده، به سودش ☐ زیانش ☐ است.

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قُرْآنِيَّةٍ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ
تَرْجِمُهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيِّ.



الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ الأَنْبِيَاءُ : ٩٢
بی گمان این امت شماست؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس
مرا پرستید.

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ؛
فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ
عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾^١ فَصَّلَتْ : ٣٤

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسُبُّوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهُوَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾^٢ الْأَنْعَامُ : ١٠٨

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ
أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً﴾ آلْ عِمْرَان : ٦٤

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ الْبَقَرَةُ : ٢٥٦

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ
أَنْ يَتَعَاشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلْمِيّاً، مَعَ اخْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ
﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرَّؤْم : ٣٢

الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ
أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْحُجُرَات : ١٣

١- و نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی
هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.

٢- کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند ...

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ.

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ آل عمران : ۱۰۳

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ. الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِيُّ قُدَّسَ سِرُّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِيجَادَ التَّفْرِقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ. وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِيِّ:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

سَوَاءٌ : يَكْسَان
عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ : در گذر زمان
عَمِيلٌ : مزدور «جمع: عُمَلَاءُ»
لَدَى : نزد «لَدَيْهِمْ: دارند»
مَعَ بَعْضٍ : با همدیگر
مِنْ دُونِ اللَّهِ : به جای خدا، به غیر خدا
يَتَجَلَّى: جلوه گر می شود
يَجُوزُ : جایز است
يَسْتَوِي: برابر می شود
يُؤَكِّدُ : تأکید می کند

حُرِّيَّةٌ : آزادی
حَمِيمٌ : گرم و صمیمی
خِلَافٌ : اختلاف
خُمُسٌ : یک پنجم
دَعَا : فرا خواند، دعا کرد
«يَدْعُونَ: فرا می خوانند»
ذَكَرَ : مرد، نر
فَرِحَ : شاد
فَرَّقَ : پراکنده ساخت
قَائِدٌ : رهبر «جمع: قَادَةُ»
قَائِمٌ : استوار، ایستاده
سَبَّ : دشنام داد
سَلَمِيٌّ : مُسَالَمَتِ آمیز
«سَلِمٌ: صلح»

أَتَقَى : پرهیزگارترین
إِحْتِفَافٌ : نگاه داشتن
إِسَاءَةٌ : بدی کردن
أَشْرَكَ : شریک قرار داد
إِعْتَصَمَ : چنگ زد (با دست گرفت)
أَكْرَمَ : گرامی ترین
أُنْثَى : زن، ماده
أَلَا : که نه ... أَلَا نَعْبُدُ : که نه پرستیم
تَعَارَفَ : یکدیگر را شناختن
«لِتَعَارَفُوا: تا یکدیگر را بشناسید»
تَعَايَشَ : همزیستی داشت
حَبَلٌ : طناب «جمع: حِبَالٌ»

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ.
- ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.
- ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلَمِيّاً.
- ۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللُّونِ.
- ۵- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

اعلموا

أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (۲)

در درس گذشته با چند فعل، که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است، آشنا شدید. اکنون با چند فعل دیگر آشنا شوید.

الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصْدَرُ
تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفْعِيلٌ
فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ
أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَالٌ

۱- دانش آموز باید وزن های این جدول را حفظ کند.

ماضی	مضارع	امر	مصدر
تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می شود	تَشَابَهُ: همانند شو	تَشَابُهُ: همانند شدن
فَرَحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفْرِيح: شاد کردن
جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالَسْ: همنشینی کن	مُجَالَسَة: همنشینی کردن
أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إِخْرَاج: بیرون آوردن

إِخْتَبَرِ نَفْسَكَ:

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ.

ماضی	مضارع	تَعَامَلُ:	يَتَعَامَلُ:
امر	مصدر	تَعَامَلُ:	تَعَامَلُ: داد و ستد کردن

ماضی	مضارع	عَلَّمَ:	يُعَلِّمُ:
امر	مصدر	عَلَّمَ:	تَعْلِيم: یاد دادن

ماضی	مضارع	كَاتَبَ:	يُكَاتِبُ:
امر	مصدر	كَاتَبَ:	مُكَاتَبَة: نامه نگاری کردن

ماضی	مضارع	أَجْلَسَ:	يُجْلِسُ:
امر	مصدر	أَجْلَسَ:	إِجْلَاس: نشان دادن

■ در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جِوَارُ
(في صَالَةٍ التَّفْتِيشِ بِالْجَمَارِكِ^٢)

الشَّرْطِيُّ الْجَمَارِكِ	الزَّائِرَةُ
إِجْلِبِي هَذِهِ الْحَقِيبَةَ إِلَى هُنَا.	عَلَى عَيْنِي، يَا أَخِي، وَلَكِنْ مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ؟
تَفْتِيشٌ بَسِيطٌ.	لَا بَأْسَ.
عَفْوًا؛ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟	لِأُسْرَتِي.
إِفْتَحِيهَا مِنْ فَضْلِكَ ^٣ .	تَفَضَّلْ، حَقِيبَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيشِ.
مَاذَا فِي الْحَقِيبَةِ؟	فُرْشَاةُ الْأَسْنَانِ وَالْمَعْجُونُ وَالْمِنْشَقَّةُ وَالْمَلَابِيسُ ...
مَا هَذَا الْكِتَابُ؟	لَيْسَ كِتَابًا؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكْرِيَّاتِ ^٤ .
مَا هَذِهِ الْحُبُوبُ؟	حُبُوبٌ مُهَدَّنَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ.
هَذِهِ، غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ.	وَلَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جِدًّا.
لَا بَأْسَ.	شُكْرًا.
إِجْمَعِيهَا وَادْهَبِي.	فِي أَمَانِ اللَّهِ.



١- صَالَةٌ: سالن ٢- جَمَارِك: گمرک ٣- مِنْ فَضْلِكَ: لطفاً ٤- ذِّكْرِيَّات: خاطرات

النَّمارين

الْتَمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- رَئِيسُ الْبِلَادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِإِدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ.
- ٢- تَعَرَّفُ الْبَعْضُ عَلَى الْبَعْضِ الْآخَرِ.
- ٣- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ.
- ٤- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ.

الْتَمْرِينُ الثَّانِي: اجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- ذَاكَ ☐ وَجَعَ فِي الرَّأْسِ تَخْتَلِفُ أَنْوَاعُهُ وَ أَسْبَابُهُ.
- ٢- الْفُرْشَاءُ ☐ أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيرًا.
- ٣- الْبُقْعَةُ ☐ آدَاهُ لِنَتْنِيفِ الْأَسْنَانِ.
- ٤- الصُّدَاعُ ☐ قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ.
- ٥- الْمُحِيطُ ☐

الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

ذِكْرِيَّاتٍ / سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / قَائِمَةٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

١- جَوَّالٌ تَفْرُغُ^١ بَطَارِيَّتُهُ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.

٢- زُمَلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ

٣- كَتَبْتُ السَّفَرَةَ الْعِلْمِيَّةَ.

٤- لَا تَعْبُدُوا اللَّهَ أَحَدًا.



١- تَفْرُغُ: خَالِي مِ شُود

التَّمَرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ...)

١- ... الزَّرَافَةُ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَّاحِلَ؟

٢- ... مَقْبَرَةُ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣- ... الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَحْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً؟

٤- ... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥- ... أَكْثَرَ فَيْتَامِينَ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قَشَرِهِ؟





التَّامِرِينَ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا. نَوْرُ السَّمَاءِ ۞

١- ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ الْبَقَرَة: ٢٢

٢- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْبَقَرَة: ٢٥٧

٣- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِر: ٥٥

٤- ﴿وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ﴾ الْإِسْرَاء: ١٠٥

٥- ﴿قَالَ إِنِّي أَغْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ الْبَقَرَة: ٣٠



الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يُحَاوِلُ» : ☐ تَحَوَّلَ ☐ حَوَّلَ ☐ حَاوَلَ
- ٢- الْمُضَارِعُ مِنْ «حَذَرَ» : ☐ يُحَاذِرُ ☐ يَحْذَرُ ☐ يُحَذِّرُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَقَاعَدَ» : ☐ تَقَاعُدَ ☐ تَقْعِيدَ ☐ إِقْعَادَ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تُرْسِلُ» : ☐ أَرْسَلَ ☐ أَرْسِلْ ☐ أَرْسَلْ
- ٥- النَّهْيُ مِنْ «تُقَبِّلُونَ» : ☐ لَا تُقَابِلُوا ☐ لَا تَقْبَلُوا ☐ لَا تُقَبِّلُوا
- ٦- الْمُضَارِعُ مِنْ «تَعَلَّمَ» : ☐ يُعَلِّمُ ☐ يَتَعَلَّمُ ☐ يَعْلَمُ
- ٧- الْمَصْدَرُ مِنْ «اعْتَرَفَ» : ☐ تَعْرِفُ ☐ تَعَارُفُ ☐ اعْتِرَافُ



☀️ أَنْوَارُ الْقُرْآنِ ☀️

عَيْنُ تَرْجَمَةِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنةِ فِي الْآيَاتِ.

۱- ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ الفرقان: ۶۳

و بندگان [خدای] بخشاینده کسانی‌اند که روی زمین با آرامش و فروتنی گام برمی‌دارند و هرگاه نادان‌ها ایشان را خطاب کنند، سخن آرام می‌گویند.

۲- ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ هود: ۱۱۴

بی‌گمان خوبی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برد.

۳- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ الأعراف: ۴۳

ستایش از آن خدایی است که ما را به این [نعمت‌ها] رهنمون ساخت؛ و اگر خدا راهنمایی‌مان نکرده بود، [به اینها] راه نمی‌یافتیم.

۴- ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ القصص: ۲۴

پروردگarem، من بی‌گمان به آنچه از خیر برایم فرستادی، نیازمندم.

۵- ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ الرعد: ۲

آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گردد.

۶- ﴿أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ القصص: ۷۷

نیکی کن همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است.

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ آيَاتٍ فِي كُلِّ مِنْهَا فِعْلٌ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ. (فِي كُلِّ آيَةٍ فِعْلٌ وَاحِدٌ).
أَرْسَلْنَا . اِنْتَظِرُوا . اِسْتَغْفِرْ . اِنْبَعَثْ . تَفَرَّقْ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يُجَاهِدُونَ



الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ الْعَنْكَبُوت: ٢٠
بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرد.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان: ١١

﴿الْعَوَاصِنَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلًا، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ الَّتِي يَنْبَعِثُ صَوُّهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيَّةِ، وَ تَحُولُ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْعَوَاصِنَ الْتِقَاطَ صَوْرِ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيَّةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عَيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينُ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيَّةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟

رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَجَدَ».

﴿إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئِيٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَنِمَ.

﴿إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَيْرِزَتِهَا

الْأَعْشَابَ الطَّبِئِيَّةَ وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ

لِلوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِئِيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.

﴿إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعُغَّةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا، فَلِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحَذِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعدَ سَرِيعًا عَنْ مَنَاطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.





لِلْبَطَّةِ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنَبِهَا تَحْتَوِي
زَيْتًا خَاصًّا تَنْشُرُهُ عَلَى جِسْمِهَا فَلَا يَتَأَثَّرُ جِسْمُهَا بِالْمَاءِ.



تَسْتَطِيعُ الْجَرَبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا
فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ
تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا نَعُوضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا
فِي كُلِّ جِهَةٍ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مِائَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.



«دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ: بی آنکه حرکت بدهد»	إِنَارَةٌ: نورانی کردن	إِبتَعَدَ: دور شد
دَنْبٌ: دُم «جمع: أَذْنَابُ»	بَرِّيٌّ: خشکی، زمینی	«حَتَّى تَبْتَغِدَ: تا دور شود»
زَيْتٌ: روغن «جمع: زُبُوت»	نَبَاتَاتٌ بَرِّيَّةٌ: گیاهان صحرایی	إِتِّجَاهٌ: جهت
سَائِلٌ: مایع	بَطٌّ، بَطَّةٌ: اردک	أَدَارٌ: چرخاند، اداره کرد
ضَوْءٌ: نور «جمع: أَضْوَاءُ»	بَكْتِيرِيَا: باکتری	«أَنْ تُدِيرَ: که بچرخاند»
ظَلَامٌ: تاریکی	بَوْمٌ، بَوْمَةٌ: جغد	أَنْ تَرَى: که ببیند
عَوَضٌ: جبران کرد	تَأَثَّرٌ: تحت تأثیر قرار گرفت	إِسْتَفَادَ: بهره بُرد
قِطٌّ: گربه	تَحْتَوِي: در بر دارد	«أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد»
لَعِقٌ: لیسید	تَحَرَّكَ: حرکت کرد	إِضَافَةٌ إِلَى: افزون بر
مُضِيٌّ: نورانی	تَنْشُرُ: پخش می کند	أَعْشَابٌ طِبِّيَّةٌ: گیاهان دارویی
مُطَهِّرٌ: پاک کننده	جُرْحٌ: زخم	«مَفْرَدٌ: عُشْبٌ طِبِّيٌّ»
وَقَايَةٌ: پیشگیری	حَرَكَ: حرکت داد	أَفَرَزَ: ترشح کرد
مَلَكٌ: مالک شد، فرمانروایی کرد	حَوَّلَ: تبدیل کرد	إِلْتَأَمٌ: بهبود یافت
يَسْتَطِيعُ: می تواند = يَقْدِرُ	حِرْبَاءٌ: آفتاب پرست	«حَتَّى يَلْتَأِمَ: تا بهبود یابد»
يَسْتَعِينُ بِ: از ... یاری می جوید	دَلَّ: راهنمایی کرد	إِلْتِقَاطُ صُورٍ: عکس گرفتن
يُنْبِئُ: فرستاده می شود	دُونَ أَنْ: بی آنکه	إِمْتِلَاكٌ: مالکیت، داشتن

x

✓



عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.

- ۱- لِلزَّرَافَةِ صَوْتُ يُحَذِّرُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَغِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ۲- تُحَوَّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيَّةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ.
- ۳- تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.
- ۴- لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا.
- ۵- لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.
- ۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبَوْمَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.

اعلموا

«الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ» وَ «الْجُمْلَةُ الاسْمِيَّةُ»

به جمله «يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ». «جمله فعلیه» گفته می‌شود؛ زیرا با فعل شروع شده است.
فعل فاعل مفعول

الگوی جمله فعلیه این است:

فعل «يَغْفِرُ» + فاعل «اللَّهُ» + گاهی مفعول «الذُّنُوبُ»

فعل، کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.
فاعل، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.

مفعول، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می‌آید و کار بر آن انجام می‌شود.

دو جمله «اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ.» و «اللَّهُ غَافِرُ الذُّنُوبِ.» با اسم شروع شده‌اند. به چنین جمله‌هایی «جمله اسمیه» گفته می‌شود.

الگوی جمله اسمیه این است:

مبتدا «اللَّهُ» + خبر «يَغْفِرُ و غَافِرُ».

مبتدا و خبر تقریباً همان نهاد و گزاره در دستور زبان فارسی هستند.

مبتدا، اسمی است که در ابتدای جمله می‌آید و درباره آن خبری گفته می‌شود.

خبر، بخش دوم جمله اسمیه است و درباره مبتدا خبری می‌دهد.

شناخت اجزای جمله در ترجمه به ما کمک می‌کند.

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْفِعْلِيَّةِ وَالْإِسْمِيَّةِ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ^١.

١- ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ التَّوْر: ٣٥ خدا برای مردم مثلها می زند.

٢- إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةً. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام از دست دادن فرصت اندوه است.

گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول، صفت یا مضاف الیه می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می شوند؛ مثال:

صُدُورُ^٢ الْأَحْرَارِ^٣ قُبُورُ الْأَسْرَارِ.

مبتدا مضاف الیه خبر مضاف الیه

يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمُجِدُّ أَشْجَارَ التُّفَاحِ.

فعل فاعل صفت مفعول مضاف الیه

کشاورز کوشا درختان سیب می کارد.

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ وَالْفَاعِلِ وَالْمَفْعُولِ فِي الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ.

١- الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. رسول الله ﷺ

٢- مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ. رسول الله ﷺ

٣- تَمَرُّهُ الْعِلْمُ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

١- منظور از «عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ» فقط تعیین نقش کلمه در جمله است؛ مانند مبتدا، خبر، فاعل، مفعول، مضاف الیه، صفت و

٢- صُدُور: سینه ها ٣- أحرار: آزادگان ٤- قَسَمَ وَ قَسَمَ: تقسیم کرد

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جَوارُ (مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ)

السَّائِقُ	سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ
أَيُّهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.	أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا.
كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟	أَطْنُ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِتْرًا. عَجِيبٌ؛ لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟
لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كِسْرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟!	لَأَنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزُّوَارِ.
فِي الْبِدَايَةِ تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمُدُنِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفَ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةَ.	زِيَارَةُ مَقْبُولَةٌ لِلْجَمِيعِ! أَتَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟
نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَ أَوَّلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ.	أَحْسَنْتَ! ^١ وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنْ طَاقِ كِسْرَى؟
بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. قَدْ أَنْشَدَ ^٢ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيوَانَ كِسْرَى: الْبُحْتَرِيُّ مِنَ أَكْبَرِ شُعَرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِيُّ، الشَّاعِرِ الْإِيرَانِيِّ.	مَا شَاءَ اللَّهُ! بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ! ^٣ مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ!



١- أَحْسَنْتَ: آفرین ٢- قَدْ أَنْشَدَ: سروده است ٣- بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ: آفرین بر تو

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.

٢- عُضْوٌ خَلَفَ جِسْمِ الْحَيَوَانِ يُحَرِّكُهُ غَالِباً لِطَرْدِ الْحَشَرَاتِ.

٣- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.

٤- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ.

٥- عَدَمُ وُجُودِ الضَّوءِ.

٦- نَشْرُ النَّوْرِ.



التمرين الثاني: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

سَلَمٌ حَرْبٌ	اِسْتِطَاعَ قَدَرَ
اِحْسَانٌ اِسَاءَةٌ	اِقْتَرَبَ اِبْتَعَدَ
ظَلَامٌ ضِيَاءٌ	بَنَى صَنَعَ
نُفَايَةٌ زُبَالَةٌ	عَدَاوَةٌ صَدَاقَةٌ
حُجْرَةٌ غُرْفَةٌ	غَيْمٌ سَحَابٌ
قَرَبٌ بَعْدٌ	يَنْبُوعٌ عَيْنٌ
مِنْ فَضْلِكَ رَجَاءٌ	فَرَحٌ حَزِينٌ
جَاهِزٌ حَاضِرٌ	غُصَّةٌ حُزْنٌ



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: اُكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صُورَةٍ فِي الْفَرَاغِ ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

البُطُّ / الكِلَابُ / الغُرَابُ / الطَّاوُوسُ / الحِرْبَاءُ / البَقَرَةُ



دَنْبٌ جَمِيلٌ.



يُرْسَلُ أَخْبَارَ الْغَابَةِ.



تُعْطِي الْحَلِيبَ.

الْمُضَافُ إِلَيْهِ:

الْمَفْعُولُ:

الْفَاعِلُ:



طَائِرٌ جَمِيلٌ.



الشُّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِ.....



ذَاتُ عَيْونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.

الْخَبَرُ:

الْمُبْتَدَأُ:

الْصِّفَةُ:

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ : عَيْنِ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ.

- ١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْح: ٣٦
- ٢- ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ الْأَعْرَاف: ١٨٨
- ٣- ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَبِيَّ خَلَقَهُ﴾ يَس: ٧٨
- ٤- ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْف: ٤٩
- ٥- ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ﴾ الْبَقَرَة: ١٨٥

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

- ١- الَّتَدَمُّ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّدَمِّ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٢- أَكْبَرُ الْحَقِّ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالنَّدَمُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٣- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٤- أَلْعِلْمُ صَيْدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٥- الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- سَكِينَة: آرامش ٢- صَرَّ: زيان ٣- يُسْر: آسانی ٤- نَدَم: پشیمانی ٥- حَقَّق: نادانی ٦- دَم: نکوهش

٧- قَيْد: بند

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْجَمَلَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٤٤

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٨٦

٣- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

☆ أنوار القرآن ☆

كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿كُلْ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ آل عمران: ۱۸۵

هر کسی چشندۀ است. (می میرد)

۲- ﴿... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

و درباره آسمان ها و زمین ؛

۳- ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

[و می گویند:] ای پروردگار ما، اینها را بیهوده ؛

۴- ﴿سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

تو پاکی؛ ما را از شکنجۀ نگاهدار؛

۵- ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾

پروردگارا، هر که را تو به آتش افکنی، او را خوار ساخته ای، و ، هیچ

..... ندارند؛

۶- ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾

ای پروردگار ما، قطعاً ما صدای پیام دهنده را که به ایمان

دعوت می کرد که به پروردگارتان، ایمان بیاورید و ما

آل عمران: ۱۹۳-۱۹۱

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ عِلْمِيٍّ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ خَلْقِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجِمْهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ،
مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



بُحِيرَةُ زَرْيَبَارِ فِي مَدِينَةِ مَرْيَوَانِ بِمُحَافَظَةِ كُردِسْتَانِ

الدَّرْسُ السَّادِسُ



﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ
مِنْهُ ذِكْرًا﴾ الْكَهْف: ٨٣

و از تو درباره ذوالقرنین می پرسند، بگو یادی از او بر شما
خواهم خواند.

الدَّرْسُ السَّادِسُ

ذَوِ الْقَرْنَيْنِ

كَانَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ مَلِكًا عَادِلًا مَوْحِدًا **قَدْ** **أَعْطَاهُ** اللَّهُ الْقُوَّةَ، وَ كَانَ **يَحْكُمُ** مَنَاطِقَ وَاسِعَةً.
ذَكَرَ اسْمُهُ فِي الْقُرْآنِ.

﴿لَمَّا **اسْتَقَرَّتْ** الْأَوْضَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ، سَارَ مَعَ **جُيُوشِهِ** الْعَظِيمَةِ **نَحْوَ** الْمَنَاطِقِ
الْغَرْبِيَّةِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ **مُحَارَبَةِ** الظُّلْمِ وَ الْفَسَادِ. فَكَانَ النَّاسُ **يُرْحَبُونَ** بِهِ فِي
مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عَدَالَتِهِ، وَ يَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ **يَحْكُمَ** وَ يُدِيرَ شُؤْنَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقٍ
فِيهَا **مُسْتَنْقَعَاتٌ** مِيَاهُهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ **كَرِيهَةٍ**. وَ وَجَدَ قُرْبَ هَذِهِ الْمُسْتَنْقَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ
فَاسِدُونَ وَ مِنْهُمْ صَالِحُونَ. فَخَاطَبَهُ اللَّهُ فِي شَأْنِهِمْ، وَ **خَيَّرَهُ** فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ
الْفَاسِدِينَ أَوْ هِدَايَتِهِمْ. فَاخْتَارَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ هِدَايَتَهُمْ.
فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدَالَةِ وَ **أَصْلَحَ** الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ.

﴿ثُمَّ سَارَ مَعَ **جُيُوشِهِ** نَحْوَ الشَّرْقِ. فَ**أَطَاعَهُ** كَثِيرٌ مِنَ الْأُمَمِ وَ **اسْتَقْبَلُوهُ** لِعَدَالَتِهِ،
حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ غَيْرِ مُتَمَدِّدِينَ، فَدَعَاهُمْ لِلْإِيمَانِ
بِاللَّهِ، وَ حَكَمَهُمْ حَتَّى **هَدَاهُمْ** إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.



﴿ وَ بَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّامِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفِعَيْنِ، فَرَأَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ عَظَمَةَ جَيْشِهِ وَأَعْمَالَهُ الصَّالِحَةَ، فَأَعْتَنَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وُصُولِهِ؛ لِأَنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتَيْنِ وَحَشِيَّتَيْنِ تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ؛ فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ رِجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا مِنْ هَذَا الْمَضِيقِ؛ فَيُخْرِبُونَ بُيُوتَنَا وَ يَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَ هَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَاجُوجُ. لِذَا قَالُوا لَهُ: نَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدٍّ عَظِيمٍ، حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجُمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ؛ بَعْدَ ذَلِكَ جَاؤُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذَوَا الْقَرْنَيْنِ وَ قَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ غَيْرِهِ، وَ أَطْلُبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بِنَاءِ هَذَا السَّدِّ. فَرِحَ النَّاسُ بِذَلِكَ كَثِيرًا.﴾

أَمَرَهُمْ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ، فَوَضَعَهُمَا فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ أَشْعَلُوا النَّارَ حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ، فَأَصْبَحَ سَدًّا قَوِيًّا، فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ هَذَا، وَ تَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتِي يَأْجُوجُ وَ مَاجُوجَ. وَ شَكَرَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاحِهِ فِي فُتُوحَاتِهِ.





كَانَ ... يُرْحَبُونَ : خوشامد می گفتند	جَيْش : ارتش «جمع: جُيُوش» حَدِيد : آهن	إِخْتَارَ : برگزید إِسْتَقْبَلَ : به پیشواز رفت
كَرِيهَ : زشت و ناپسند	خَاطَبَ : خطاب کرد	إِسْتَقَرَّ : استقرار یافت
مُحَارَبَةٌ : جنگیدن	خَرَبَ : ویران کرد	أَشْعَلَ : شعله ور کرد
مُسْتَنْقَع : مرداب	خَيْرَ : اختیار داد	أَصْلَحَ : اصلاح کرد
مَضِيقَ : تنگه	ذَابَ : ذوب شد	أَطَاعَ : پیروی کرد
نَحَاسَ : مس	رَفَضَ : نپذیرفت	إِغْتَنَمَ : غنیمت شمرد
نَحَوَ : سمت	سَارَ : حرکت کرد، به راه افتاد	إِغْلَاقَ : بستن
نَهَبَ : به تاراج بُرد	سَكَنَ : زندگی کرد	بِنَاءَ : ساختن، ساختمان
وُصُولَ : رسیدن	كَانَ قَدْ أَعْطَاهُ : به او داده بود	تَخَلَّصَ : رهایی یافت
هَدَى : راهنمایی کرد	كَانَ ... يَحْكُمُ : حکومت می کرد	تَلَا : خواند «أَتَلُو: می خوانم»

x ✓



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- أَمَرَ اللَّهُ ذَا الْقَرْنَيْنِ بِمُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ.
- ۲- سَارَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ مَعَ جُيُوشِهِ نَحَوَ الْجَنُوبِ، يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ.
- ۳- قَبِلَ ذَوَا الْقَرْنَيْنِ الْهَدَايَا الَّتِي جَاءَ النَّاسُ بِهَا.
- ۴- بَنَى ذَوَا الْقَرْنَيْنِ السَّدَّ بِالْحَدِيدِ وَ الْأَخْشَابِ.
- ۵- كَانَتْ قَبِيلَتَا يَأْجُوجَ وَ مَاجُوجَ مُتَمَدَّنَتَيْنِ.

اعلموا

الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل از مشتقات مصدر «شدن» استفاده می‌شود؛ مثال:

زده شد می‌زند: زده می‌شود دید: دیده شد می‌بیند: دیده می‌شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل



ناشناس می‌باشد؛ یعنی حذف شده است.

در جمله «نگهبان در را گشود.» می‌دانیم

فاعل نگهبان است؛

ولی در جمله «در گشوده شد.» فاعل

نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

(عَسَلَ: شُست عَسَلَ: شسته شد / خَلَقَ: آفرید خَلَقَ: آفریده شد)

(يَغْسِلُ: می‌شوید يَغْسِلُ: شسته می‌شود / يَخْلُقُ: می‌آفریند يَخْلُقُ: آفریده می‌شود)

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل حرکت‌های آن تغییر می‌کند.

كَتَبَ: نوشت	كَتَبَ: نوشته شد	يَكْتُبُ: می‌نویسد	يَكْتُبُ: نوشته می‌شود
ضَرَبَ: زد	ضَرَبَ: زده شد	يَضْرِبُ: می‌زند	يَضْرِبُ: زده می‌شود
عَرَفَ: شناساند	عَرَفَ: شناسانده شد	يُعْرِفُ: می‌شناساند	يُعْرِفُ: شناسانده می‌شود
أَنْزَلَ: نازل کرد	أَنْزَلَ: نازل شد	يُنْزِلُ: نازل می‌کند	يُنْزِلُ: نازل می‌شود
اسْتَخْدَمَ: به کار گرفت	اسْتَخْدَمَ: به کار گرفته شد	يَسْتَخْدِمُ: به کار می‌گیرد	يَسْتَخْدِمُ: به کار گرفته می‌شود

فرق فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال‌های بالا ببایید.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

تَرْجِمِ الْآيَاتِ الْمُبَارَكَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ.

۱- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ﴾ (الأعراف: ۲۰۴)



۲- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾ (الرحمن: ۴۱)

۳- ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ (النساء: ۲۸)

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار (مَعَ مَسْئُولِ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ)

السَّائِحُ	مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ
رَجَاءً، أَعْطِنِي ^٢ مِفْتَاحَ غُرْفَتِي.	ما هُوَ رَقْمُ غُرْفَتِكَ؟
مِثْنَانِ وَ عِشْرُونَ.	تَفَضَّلْ.
عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ غُرْفَتِي.	أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ.
لَا بَأْسَ، يَا حَبِيبِي.	مِنْ السَّادِسَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ؛
مَا هِيَ سَاعَةُ دَوَامِكَ ^٣ ؟	ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي.
مَتَى مَوَاعِدُ ^٤ الْفُطُورِ وَ الْغَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ؟	الْفُطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النُّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا؛
	الْغَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرُّبْعِ؛
	الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ؟	شَايٌ وَ خُبْزٌ وَ جُبْنَةٌ ^٥ وَ زُبْدَةٌ ^٦ وَ حَلِيبٌ وَ مَرْبَى الْمِشْمِشِ.
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْغَدَاءِ؟	رُزٌّ مَعَ دَجَاجٍ ^٧ .
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟	رُزٌّ مَعَ مَرَقٍ ^٨ بِاذْنِجَانٍ.
أَشْكُرُكَ.	لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ.



١- مَسْئُولُ الْإِسْتِقْبَالِ: مسئول پذیرش ٢- أَعْطِنِي: به من بده ٣- دَوَام: ساعت کار ٤- مَوَاعِد: وقت‌ها

٥- جُبْنَةٌ: پنیر ٦- زُبْدَةٌ: کره ٧- دَجَاج: مرغ ٨- مَرَق: خورشید

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- بِمَعْنَى الدَّهَابِ نَحْوَ الضَّيْفِ وَ إِظْهَارِ الْفَرَحِ بِهِ.

٢- مَجْمُوعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ الْجُنُودِ لِلدَّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ.

٣- مَكَانٌ يَجْتَمِعُ فِيهِ الْمَاءُ زَمَانًا طَوِيلًا.

٤- مَكَانٌ بَيْنَ جَبَلَيْنِ.

التَّمرينُ الثَّانِي: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةٌ»

ذَابَ / تَخَلَّصَ / اخْتَارَ / أَصْلَحَ / هَدَى / مُفْسِدُونَ / رَفَضَ / أَسْكَنَ

١- ﴿مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ..... فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

الأنعام: ٥٤

٢- ﴿وَ..... مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا﴾ الأعراف: ١٥٥

٣- ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ.....﴾ طه: ٥٠

٤- ﴿وَيَا آدَمُ..... أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ الأعراف: ١٩

٥- ﴿إِنَّ يَاجُوجَ وَمَاجُوجَ..... فِي الْأَرْضِ﴾ الكهف: ٩٤

التمرين الثالث: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يَسْتَقْبِلُ»: ☐ اِسْتَقْبَلَ ☐ قَبْلَ ☐ اَفْبَلَ
- ٢- الْمَضَارِعُ مِنْ «فَرَّقَ»: ☐ يَتَفَرَّقُ ☐ يَفْتَرِقُ ☐ يُفَرِّقُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «أَغْلَقَ»: ☐ اِنْغِلَاق ☐ اِغْلَاق ☐ تَغْلِيْق
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تَعْلَمُونَ»: ☐ عَلِّمُوا ☐ اَعْلِمُوا ☐ اِعْلَمُوا
- ٥- اَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: ☐ يُشْرِفُ ☐ يُضْرَبُ ☐ يُلَاحِظُ
- ٦- اَلْمَجْهُولُ مِنْ يُخْرِجُ : ☐ اُخْرِجَ ☐ يَخْرُجُ ☐ يُخْرِجُ



الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ : تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَجْهُولَةَ.

١- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا﴾ ^{١١} الْحَجَّ: ٧٣

٢- ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ ^{١١} الزُّمَر: ١١

٣- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ ^{١٨٥} الْبَقَرَة: ١٨٥

٤- تَغَسَّلَ مَلَابِيسُ الرِّيَاضَةِ قَبْلَ بَدَايَةِ الْمُسَابَقَاتِ.

٥- يُفْتَحُ بَابُ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ لِلطُّلَابِ.

١- لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا: مگسی را نخواهند آفرید. ٢- مُخْلِصًا: در حالی که خالص گردانیده‌ام.

ANWAR AL-QURAN

عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ.

۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی، مردمانی [دیگر] را ریشخند کنند، شاید آنها ☐ خوب ☐ بهتر از خودشان ☐ باشند؛

۲- ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾
و از ☐ خودتان ☐ دیگران ☐ عیب نگیرید، و به همدیگر ☐ لقب ☐ لقب‌های ☐ زشت ندهید؛

۳- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به بسیاری از گمان‌ها اعتماد نکنید. ☐
از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید. ☐؛

۴- ﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾
زیرا برخی گمان‌ها ☐ گناه ☐ زشت ☐ است، و جاسوسی نکنید؛ و نباید ☐ غیبت ☐ دیگران ☐ همدیگر ☐ کنید؛

۵- ﴿أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾
آیا کسی از شما ☐ می‌خواهد ☐ دوست می‌دارد ☐ که گوشت برادرش را که مرده است ☐ بخورد ☐ بگند ☐ ؟ [کاری که] آن را ناپسند می‌دارید.

الْحُجُرَات: ۱۱ و ۱۲

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابْحَثْ عَنْ آيَةٍ أَوْ حَدِيثٍ أَوْ شِعْرِ أَوْ كَلَامٍ جَمِيلٍ مُرْتَبِطٍ بِمَفْهُومِ الدَّرْسِ.
(الْإِشَارَةُ إِلَى النَّعْمِ الْإِلَهِيَّةِ)



﴿وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ﴾ التَّمْل: ٤٠

الدَّرْسُ السَّابِعُ



أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُكَ، وَفِي الْأَرْضِ
قُدْرَتُكَ، وَفِي الْبَحَارِ عَجَائِبُكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
تو کسی هستی که بزرگی‌ات در آسمان و توانمندی‌ات در زمین و
شگفتی‌هایت در دریاهاست.

يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَائِعاً عَنِ الدَّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَاناً مِنَ الْغَرَقِ، وَ أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

حامدٌ: لَا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِداً.

الأبُّ: يَا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيباً، لِأَنَّ الدَّلْفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ.

صادقٌ: تَصَدِيقُهُ صَعْبٌ! يَا أَبِي، عَرَفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ.

الأبُّ: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ وَزْنُهُ يَبْلُغُ

ضِعْفِي وَزْنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيباً، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.

نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

الأبُّ: بَلَى؛ بِالتَّأَكِيدِ، تَسْتَطِيعُ الدَّلَافِينُ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانٍ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ

مَكَانٍ غَرَقِ سَفِينَةٍ.

الأمُّ: تُؤَدِّي الدَّلَافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ

مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ.



صَادِقٌ: رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعًا؟
 الْأُمُّ: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّ الدَّلَافِينَ
 تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمُ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَ أَنَّهَا تُغْنِي كَالطَّيْرِ، وَ
 تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفِرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

نورا: هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ ؟
 الْأَبُّ: بِالتَّأَكُّدِ، تَحَسَّبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ الْفَرَشِ عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى
 سَمَكَةِ الْفَرَشِ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأَنُوفِهَا الْخَادَّةِ وَ
 تَقْتُلُهَا.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدُّلْفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟
 الْأَبُّ: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرِنَتِ: ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى
 الْأَعْمَاقِ بِشِدَّةٍ، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى
 بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ
 أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.
 الْأُمُّ: إِنَّ الْبَحَرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

الَّتَظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٍ:
 الَّتَظَرُ فِي الْمُصْحَفِ،
 وَ الَّتَظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ،
 وَ الَّتَظَرُ فِي الْبَحْرِ.

ضَعْفُ : برابر «ضَعْفَيْنِ: دو برابر»	تَجَمَّعَ : جمع شد	أَدَّى : ایفا کرد، منجر شد
طَيَّور : پرندگان «مفرد: طَير»	تَيَّار : جریان	أَرْشَدَ : راهنمایی کرد
عَرَفَ : معرفی کرد	جَمَاعِيَّ : گروهی	أَرْضَعَ : شیر داد
عَزَمَ : تصمیم گرفت	حَادَ : تیز	أَعْلَى : بالا، بالاتر
غَنَى : آواز خواند	دَلَّافِينَ : دلفین‌ها	أَنْفَقَ : انفاق کرد
قَفَزَ : پرید، جهش کرد	دَوَّرَ : نقش	أُنُوفَ : بینی‌ها «مفرد: أَنْف»
لَبَّوْنَةَ : پستاندار	ذَاكِرَةً : حافظه	أَوْصَلَ : رسانید
كَذَلِكَ : همین‌طور	رَائِعَ : جالب	بِحَارَ : دریاها «مفرد: بَحْر»
مُنْقِذَ : نجات‌دهنده	سَمَكُ الْقِرْشِ : کوسه ماهی	بَكِيَّ : گریه کرد
مَوْسُوعَةَ : دانشنامه	شَاطِئِ : ساحل «جمع: شَوَاطِئِ»	بَلَغَ : رسید
	صَفَرَ : سوت زد	بَلَى : آری

x ✓



عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- الدُّلْفَيْنُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَّوْنَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.
- ۲- يُؤَدِّي سَمَكُ الْقِرْشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ.
- ۳- سَمِعُ الْإِنْسَانِ يَفُوقُ سَمْعَ الدُّلْفَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.
- ۴- سَمَكُ الْقِرْشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ.
- ۵- سَمَكُ الْقِرْشِ عَدُوُّ الدَّلَّافِينَ.
- ۶- لِلدَّلَّافِينَ أَنْوُفٌ حَادَّةٌ.

إِعْلَمُوا

الْجَارُّ وَالْمَجْرُورُ

در زبان فارسی به حروفی مانند «به، برای، بر، در، از» حروف اضافه و در عربی حروف جر می‌گویند.

به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، لِ ، عَنْ ، كَ » در دستور زبان عربی «حروف جر» می‌گویند. این حروف به همراه کلمه بعد از خودشان معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند. مثال: مِنْ قَرْيَةٍ، فِي الْغَابَةِ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ، عَلَى الْوَالِدَيْنِ، بِالْحَافِلَةِ، لِلَّهِ، عَنْ نَفْسِهِ، كَجَبَلٍ به حرف جر، جَارٌّ و به اسم بعد از آن مجرور و به هر دو اینها «جار و مجرور» می‌گویند.

أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ:

مِنْ	از
------	----

﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ آل عمران: ۹۲

تا اتفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)

﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الإنسان : ۲۱

دست‌بندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ: از اینجا تا آنجا

فِي	در
-----	----

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً﴾ الْبَقَرَة : ۲۹

او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

الْتَّجَاهُ فِي الصِّدْقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رهایی در راستگویی است.

إِلَى (إِلَى) به ، به سوی ، تا

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ (الأنعام: ۱)

پاک است کسی که بنده اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.

﴿قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضُ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ

وَشَرَابِكَ﴾ (البقرة: ۲۵۹)

گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «نه، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی ات بنگر.»

كَانَ الْفَلَاخُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ. کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می کرد.

عَلَى (عَلَى) بر، روی، به زیان

النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.

عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید، زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است.

الْدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

روزگار دو روز است؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.

الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. کیف روی میز است.

بِ به وسیله، در

﴿إِذَا رَأَوْا رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ (العلق: ۳ و ۴)

بخوان و پروردگارت گرامی ترین است؛ همان که به وسیله قلم یاد داد.

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ﴾ (آل عمران: ۱۲۳) و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.

لِـ برای ، از آنِ (مالِ) ، داشتن

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ النساء: ۱۷۱

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ اوست.

﴿لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ﴾ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ الْكَافِرُونَ: ۶

دین شما از آنِ خودتان و دین من از آنِ خودم.

لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ - لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.

عَنْ ، درباره

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ...﴾ الشُّورَى: ۲۵

او کسی است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد ...

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ...﴾ الْبَقَرَة: ۱۸۶

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.

كَـ مانند

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خودش است.

اخْتَبَرِ نَفْسَكَ: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

۱- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲- ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ...﴾ الْعَنْكَبُوت: ۲۰

نونُ الوقاية

در متن درس کلمات «يُحَيِّرُنِي» و «أَخَذَنِي» را مشاهده کردید.
وقتی که فعلی به ضمیر «ی» متصل می شود، نون وقایه بین فعل و ضمیر واقع می شود.
مثال: يَعْرِفُنِي: مرا می شناسد. اِرْفَعُنِي: مرا بالا ببر.
أَخَذَنِي: مرا بُرد. يُحَيِّرُنِي: مرا حیران می کند.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهيم : ٤٠

۲- اَللّٰهُمَّ اَنْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۳- اِنَّ اللّٰهَ اَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا اَمَرَنِي بِاِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۴- اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي شَكُورًا وَاجْعَلْنِي صَبُورًا وَاجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيرًا وَفِي

اَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيرًا. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار (مَعَ مُشْرِفٍ^۱ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)

السَّائِحُ	مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ
عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ تَنْظِيفِ ^۲ الْغُرْفِ وَ الْحِفَاطِ عَلَيْهَا؟	السَّيِّدُ دِمَشْقِيّ مُشْرِفُ خَدَمَاتِ غُرْفِ الْفُنْدُقِ. مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ؟
لَيْسَتْ الْغُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصُ.	أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً، اسْتَخْرَجْ سَاتَّصِلُ ^۳ بِالْمُشْرِفِ.
مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفُ مَعَ مُهَنْدِسِ الصِّيَانَةِ ^۴ .	
مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ	السَّائِحُ
مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ، يَا حَبِيبِي؟!	لَيْسَتْ غُرْفَتِي وَ غُرْفُ زُمَلَائِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصُ.
سَيَأْتِي عُمَالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمُسْكِلَاتُ الْأُخْرَى؟	فِي الْغُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ ^۵ مَكْسُورٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَفٌ ^۶ نَاقِصٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّالِثَةِ الْمُكَيِّفُ لَا يَعْمَلُ.
نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ. سَنُصَلِّحُ ^۷ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَى عَيْنِي.	تَسَلَّمَ عَيْنُكَ!



۱- مُشْرِفٌ: مدير داخلی ۲- تَنْظِيفٌ: پاکیزگی ۳- اتَّصَلُ: تماس می‌گیرم ۴- صِيَانَةٌ: تعمیرات ۵- سَرِيرٌ: تخت ۶- شَرَفٌ: ملافه ۷- نُصَلِّحُ: تعمیر می‌کنیم

التَّمرينُ الأوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ ✕

- ١- عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرُقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ.
- ٢- الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ يَعْيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ.
- ٣- الْمَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جِدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ.
- ٤- الشَّاطِئُ مِنْطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجَوَارِ الْبَحَارِ وَالْمُحِيطَاتِ.
- ٥- الْأَنْفُ عَضْوُ التَّنَفُّسِ وَالشَّمُّ^١.
- ٦- الْخَفَّاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ.

التَّمرينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

أَنُوفَ / دَوْرَ / قَفَزَ / بَلَّغْنَا / أَسْرَى / أَسَاوَرَ / الذَّاكِرَةِ / تَيَّارَ

- ١- اشْتَرَى أَبِي لِأَخْتِي الصَّغِيرَةِ مِنْ ذَهَبٍ.
- ٢- كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ هُ بِمَهَارَةٍ بِالْعَةِ.
- ٣- قَالَ الطُّلَّابُ: السَّنَةُ السَّادِسَةَ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمُرِ.
- ٤- عَصَفَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةٌ وَحَدَّثَ فِي مَاءِ الْمُحِيطِ.
- ٥- أَنْصَحُكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةٍ لِأَنَّكَ كَثِيرُ النِّسْيَانِ.
- ٦- لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ جِدًّا مِنَ الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّالِثِ.

الْتَمِرِينَ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِّ وَ الْمَجْرُورِ.

١- ﴿وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ النَّمْل : ١٩

٢- ﴿وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ١٤٧

٣- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

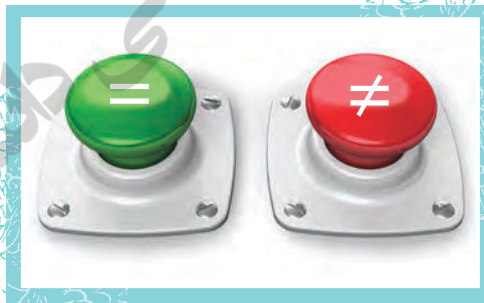
٥- جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَ ثَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١- عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ: بندگان شایسته‌ات

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ : عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. = ≠

بَعَثَ	صِغَار	شَاطِئ	أَرْسَلَ	بَكَى	كِبَار	أَقْلَ	ضَوْء	بَعُدَ	سَاحِل
ضَحِكَ	ظَلَام	أَكْثَر	بَغْتَةً	قَرُبَ	دَفَعَ	فَجَاءَ	كَتَمَ	إِسْتَلَمَ	سَتَرَ

..... =
 =
 ≠
 ≠
 ≠
 ≠



الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدُولِ الْمُتَقَاطِعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

يَبْلُغَنَّ / صِغَار / ذَاكِرَةٌ / عَفَا / بَكَى / مُنْقِذَ / مَرَقَ / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / غَنِيْتُمْ / سَمِعَ / طُيُورَ / حَادَّةَ / دَوَّرَ /
لَبُونَةَ / كَذَلِكَ / جَمَارِكُ / زُبُوتَ / سَمِينَا / ظَاهِرَةٌ / أَمَطَرُ / حَمِيمَ / ثُلُوجَ / سَوَارَ / رَائِحَ

رمز ↓

☐	☐	☐	☐	كوچكها	(۱)
☐	☐	☐	☐	این طور	(۲)
☐	☐	☐	☐	تیز	(۳)
☐	☐	☐	☐	پدیده	(۴)
☐	☐	☐	☐	سوت زدند	(۵)
☐	☐	☐	☐	روغن ها	(۶)
☐	☐	☐	☐	نقش	(۷)
☐	☐	☐	☐	شنوایی	(۸)
☐	☐	☐	☐	جالب	(۹)
☐	☐	☐	☐	نجات دهنده	(۱۰)
☐	☐	☐	☐	نامیدیم	(۱۱)
☐	☐	☐	☐	دستبند	(۱۲)
☐	☐	☐	☐	گرم و صمیمی	(۱۳)
☐	☐	☐	☐	برف ها	(۱۴)
☐	☐	☐	☐	حافظه	(۱۵)
☐	☐	☐	☐	پستاندار	(۱۶)
☐	☐	☐	☐	پرندگان	(۱۷)
☐	☐	☐	☐	رسانید	(۱۸)
☐	☐	☐	☐	باران بارید	(۱۹)
☐	☐	☐	☐	بخشید	(۲۰)
☐	☐	☐	☐	می رسند	(۲۱)
☐	☐	☐	☐	ترانه خواندید	(۲۲)
☐	☐	☐	☐	گریه کرد	(۲۳)

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«.....»

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

١- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ الثَّبَا : ٤٠

٢- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:

صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

عَيْنُ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ تَرْجَمَةً مَا تَحْتَهُ خَطٌّ.

۱- ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ...﴾

پروردگارا، به من دانش ببخش و مرا به درستکاران پیوند بده؛

۲- ﴿وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ...﴾

و مرا از وارثان بهشت پرنعمت قرار بده؛

۳- ﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ﴾

و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، رسوایم مکن؛

۴- ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾ الشُّعْرَاءُ: ۸۸، ۸۷، ۸۵، ۸۳

روزی که نه دارایی و نه فرزندان سود نمی‌رسانند؛

۵- ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾ الْمَائِدَةُ: ۴۸

در کارهای خیر از هم پیشی بگیرید.

۶- ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا

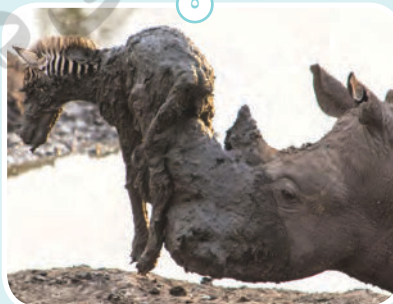
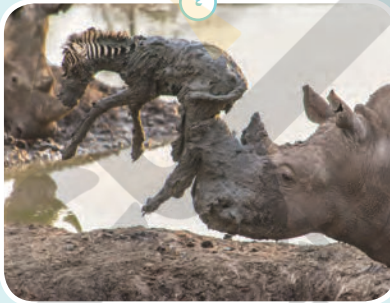
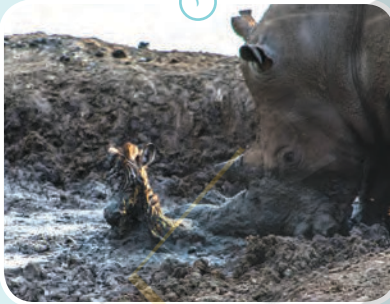
تَشْعُرُونَ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۵۴

و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مُرده نگوئید،

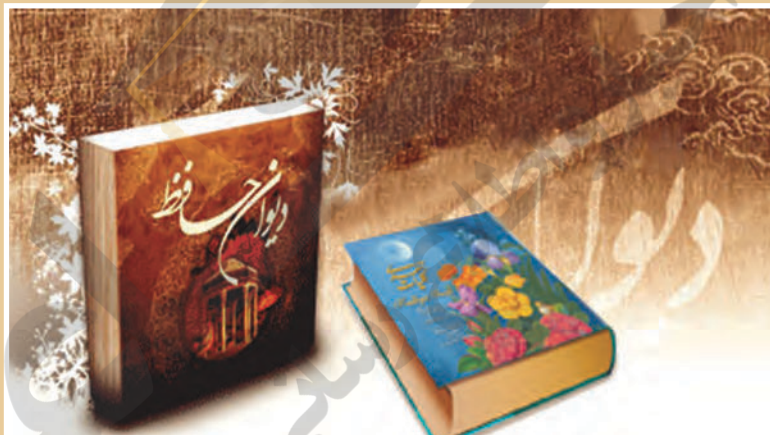
بلکه زنده‌اند ولی شما نمی‌دانید.

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ حَقِيقَةِ قَصِيرَةٍ حَوْلَ حَيَوَانَ،
وَ اكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةٍ،
ثُمَّ تَرْجِمْهَا إِلَى الْفَارِسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



الدَّرْسُ الثَّامِنُ



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

جَمَالُ الْمَرْءِ فَصَاحَةُ لِسَانِهِ.
زِيَابِي آدَمِي شِيَوایی گفَتارش است.

صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لُغَةُ الْقُرْآنِ وَ الْأَحَادِيثِ وَ الْأَدْعِيَةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ وَ أَنْشَدَ بَعْضُهُمْ أَبْيَاتًا **مَمْرُوجَةً** بِالْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارِسِيَّةِ وَ سَمَّوْهَا بِالْمُلَمَّعِ؛ لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مُلَمَّعَاتٌ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشَّيرَازِيِّ وَ سَعْدِيُّ الشَّيرَازِيِّ وَ جَلَالُ الدِّينِ الرَّومِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيِّ.

مُلَمَّعُ حَافِظِ الشَّيرَازِيِّ لِسَانِ الْغَيْبِ

إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَهُ
لَيْسَتْ دُمُوعُ عَيْنِي هُذِي لَنَا الْعَلَامَهُ؟
مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَهُ
فِي بُعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبِهَا السَّلَامَهُ
وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلا مَلَامَهُ
حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ كَأْسًا مِنَ الْكِرَامَةِ^٢

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
دارم من از فراقش در دیده صد علامت
هر چند کازمودم از وی نبود سودم
پرسیدم از طیبی احوالِ دوست گفتا
گفتم ملامت آید گر گرد دوست گردم
حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین



١- آیا این اشک‌های چشمم برای ما نشانه نیست؟

٢- حافظ همانند خواستاری آمد که جان شیرین بدهد و جامی بستاند، تا از آن جامی از کرامت بجشد.

مَلَمَعُ سَعْدِي الشِّيرَازِيِّ

سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبَاتِهِمْ فِي الْفَلَوَاتِ^۱ تو قدرِ آبِ چه دانی که در کنارِ فُراتی
 شِم به رویِ تو روزست و دیده‌ام به تو روشن
 وَ إِنْ هَجَرْتَ سَوَاءَ عَشِيَّتِي وَ عِدَاتِي اگر چه دیر بماندم امید بر نگرفتم
 مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم
 اِگر گلی به حقیقتِ عَجِينِ آبِ حیاتِ شبان تیره امیدم به صبحِ رویِ تو باشد
 وَ قَدْ تُفْتَشُ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ فَكَمْ تُمَرَّرُ عَيْشِي وَأَنْتَ حَامِلُ شَهْدِ
 جَوَابِ تَلَخِ بَدِيعِ نه پنج روزه عمرست عشقِ رویِ تو ما را
 وَجَدْتَ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنْ سَمَمْتَ رِفَاتِي^۲ وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى
 مُحَمَّدِ تو چه گویم که ماورای صفاتی أَخَافُ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَعِثُّ وَ أَدْنُو
 که هم کمند بلایی و هم کلیدِ نجاتی ز چشمِ دوست فتادم به کامه دل دشمن
 أَحَبَّتِي هَجَرُونِي كَمَا تَشَاءُ عِدَاتِي فِرَاقِنَامَةُ سَعْدِي عَجَبُ که در تو نگیرد



۱- از انبارهای آب دربارهٔ سوارانی که در بیابان‌ها تشنه‌اند بپرس. مصانع آبگیرهایی بودند که مره گوارایی نداشتند، ولی برای تشنگان بیابان نعمتی بزرگ بوده است.
 ۲- اگر خاک قبرم را ببویی، بوی عشق را می‌یابی.
 ۳- و اگر به پرندگان شکایت برم، در لانه‌ها شیون کنند.

آتِي، آتٍ : آینده، درحال آمدن
 اسْتَغَاثَ: کمک خواست
 بُدِيعٌ : نو (برای نخستین بار)
 بُعْدٌ : دوری
 جَرَّبَ : آزمایش کرد
 حَلَّ : فرود آمد
 ذاقَ: چشید
 دَنَا : نزدیک شد
 رَجَا : امید داشت
 رَضِيَ : راضی شد
 رُفَاتٌ : استخوان پوسیده
 رُكْبٌ : کاروان شتر یا اسب سواران
 سَلٌ : پیرس (اسأل)

شَاءَ : خواست
 شَكَوْتُ: شکایت کردم «إِنْ شَكَوْتُ:
 اگر شکایت کنم»
 شَمٌّ : بویید «شَمَمْتُ: بوییدی»
 عَجِنَ : خمیر
 عُدَاةٌ : دشمنان «مفرد: عادي»
 عَشِيَّةٌ : آغاز شب
 عُدَاةٌ : آغاز روز
 فَلَوَاتٌ : بیابان ها «مفرد: فَلَاة»
 قَدْ تَفَتَّشُ : گاهی جست وجو
 می شود
 قُرْبٌ : نزدیکی
 كَأْسٌ : جام، لیوان

مُجَرَّبٌ : آزموده
 مَحَامِدٌ : ستایش ها
 مَرَّرَ : تلخ کرد
 مَصَانِعُ : آب انبارهای بیابان
 مَلِيحٌ : با نمک
 مَمَزُوجٌ : درآمیخته
 نُحْنُ : شیون کردند — نَحْ
 وُدٌ : عشق
 وَصَفٌ : وصف کرد
 وَكُنَاتٌ : لانه ها
 هَامٌ : تشنه و سرگردان شد
 هَجَرَ : جدایی گزید، جدا شد

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

x ✓

- ۱- لَيْسَ لِحَافِظٍ وَ سَعْدِيٍّ مَلَمَعَاتٌ جَمِيلَةٌ.
- ۲- يَرَى حَافِظُ الدَّهْرِ مِنْ هَجَرِ حَبِيبِهِ كَالْقِيَامَةِ.
- ۳- يَرَى حَافِظٌ فِي بُعْدِ حَبِيبِهِ رَاحَةً وَ فِي قُرْبِهِ عَذَابًا.
- ۴- يَرَى سَعْدِيٌّ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ سَوَاءً مِنْ هَجَرِ حَبِيبِهِ.
- ۵- قَالَ سَعْدِيٌّ: «مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ لَا تَأْتِي».

إِعْلَمُوا

إِسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اسْمُ الْمُبَالَغَةِ

در دستور زبان فارسی به اسم فاعل، صفت فاعلی و به اسم مفعول، صفت مفعولی می‌گویند.

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و اسم مفعول به معنای «انجام شده» است.

اسم فاعل و اسم مفعول دو گروه‌اند:

گروه اول بر وزن «فاعل» و «مفعول» هستند که در سال گذشته با آنها آشنا شده بودید.

ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
صَنَعَ	صَانِع	سازنده	مَصْنُوع	ساخته شده
خَلَقَ	خَالِق	آفریننده	مَخْلُوق	آفریده شده
عَبَدَ	عَابِد	پرستنده	مَعْبُود	پرستیده شده

اکنون با گروه دوم آشنا شوید.

مضارع	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
يُشَاهِدُ	مُشَاهِد	بیننده	مُشَاهَد	دیده شده
يُقَلِّدُ	مُقَلِّد	تقلید کننده	مُقَلَّد	تقلید شده
يُرْسِلُ	مُرْسِل	فرستنده	مُرْسَل	فرستاده شده
يَنْتَظِرُ	مُنْتَظَر	انتظار کشنده	مُنْتَظَر	مورد انتظار
يَتَعَلَّمُ	مُتَعَلِّم	یادگیرنده	مُتَعَلَّم	یاد گرفته شده
يَسْتَخْرِجُ	مُسْتَخْرِج	بیرون آورنده	مُسْتَخْرَج	بیرون آورده شده
يَتَهَاكِمُ	مُتَهَاكِم	حمله کننده	—	—
يَنْكَسِرُ	مُنْكَسِر	شکونده	—	—

با دقت در دو جدول داده شده فرق اسم فاعل و اسم مفعول را بیابید.

گروه اول: فعل‌هایی بود که سوم شخص مفرد ماضی آنها سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان بر وزن فاعِل و مَفْعول بود.

گروه دوم: فعل‌هایی است که سوم شخص مفرد ماضی آنها بیشتر از سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان با حرف «مُ» شروع می‌شود. یک حرف مانده به آخر در اسم فاعل کسره و در اسم مفعول فتحه دارد.

(اسم فاعل : مُ ...) ، (اسم مفعول : مُ ...)

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ وَ الدُّعَاءَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ.

الْكَلِمَةُ	الترجمة	اسم الفاعل	اسم المفعول
يُعَلِّمُ : یاد می‌دهد	مُعَلِّمٌ		
يَعْلَمُ : می‌داند	عَالِمٌ		
اقْتَرَحَ : پیشنهاد کرد	مُقْتَرِحٌ		
يُجَهِّزُ : آماده می‌کند	مُجَهِّزٌ		
ضَرَبَ : زد	مَضْرُوبٌ		
يَتَعَلَّمُ : یاد می‌گیرد	مُتَعَلِّمٌ		

يا صَانِعُ كُلِّ مَصْنُوعٍ يا خَالِقُ كُلِّ مَخْلُوقٍ يا رَازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ يا مَالِكُ كُلِّ مَمْلُوكٍ.

مِنْ دُعَاءِ الْجُوشَنِ الْكَبِيرِ

اسم مبالغه بر بسياري صفت يا انجام دادن کار دلالت دارد و بر وزن «فَعَّال» و «فَعَّالَةٌ» است؛ مانند

عَلَّامَةٌ (بسیار دانا)؛ فَهَّامَةٌ (بسیار فهمیده)؛ صَبَّار (بسیار بُردبار)؛ غَفَّار (بسیار آمرزنده)؛ كَذَّاب (بسیار دروغگو)؛ رَزَّاق (بسیار روزی‌دهنده)؛ خَلَّاق (بسیار آفریننده)

گاهی وزن «فَعَّال» و «فَعَّالَةٌ» بر اسم شغل دلالت می‌کند؛ مانند خَبَّاز (نانوا)؛ حَدَّاد (آهنگر) گاهی نیز بر اسم ابزار، وسیله یا دستگاه دلالت می‌کند؛ مانند فَتَّاحَة (در بازکن)؛ نَظَّارَة (عینک)؛ سَيَّارَة (خودرو)

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمِ التَّرَاكِيْبَ التَّالِيَةَ.

﴿عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾:

﴿أَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾:

﴿هُوَ كَذَّابٌ﴾:

﴿الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾:

الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ:

﴿حَمَّالَةُ الْخُطْبِ﴾:

الْهَاتِفُ الْجَوَّالُ:

﴿لِكُلِّ صَبَّارٍ﴾:

فَتَّاحَةُ الزُّجَاجَةِ:

رَسَامُ الصُّوْرِ:

■ در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جَوازٌ

(شِراءُ شَرِيحَةٍ^۱ الْهَاتِفِ الْجَوَّالِ)

مَوْظَفُ الْإِتِّصَالَاتِ ^۲	الرَّائِرَةُ
تَفَضَّلِي، وَ هَلْ تُرِيدِينَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ ^۳ ؟	رَجَاءً، أَعْطِنِي شَرِيحَةَ الْجَوَّالِ.
تَسْتَطِيعِينَ أَنْ تَشْحَنِي رَصِيدَ ^۴ جَوَّالِكِ عَبْرَ الْإِنْتَرَنِتِ.	نَعَمْ؛ مِنْ فَضْلِكَ أَعْطِنِي بِطَاقَةً بِمَبْلَغِ خَمْسَةِ وَ عِشْرِينَ رِيَالاً.
تَشْتَرِي الرَّائِرَةَ شَرِيحَةَ الْجَوَّالِ وَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ وَ تَضَعُ الشَّرِيحَةَ فِي جَوَّالِهَا وَ تُرِيدُ أَنْ تَتَّصَلَ وَلَكِنْ لَا يَعْمَلُ الشَّحْنُ، فَتَذْهَبُ عِنْدَ مَوْظَفِ الْإِتِّصَالَاتِ وَ تَقُولُ لَهُ:	
أَعْطِنِي الْبِطَاقَةَ مِنْ فَضْلِكَ. سَامِحِينِي ^۵ ؛ أَنْتِ عَلَى الْحَقِّ ^۶ . أَبْدُلُ ^۷ لَكَ الْبِطَاقَةَ.	عَفَواً، فِي بِطَاقَةِ الشَّحْنِ إِشْكَالٌ.



۱- شَرِيحَةُ: سیم‌کارت ۲- اِتِّصَالَات: مخابرات ۳- شَحْن: شارژ کردن ۴- رَصِيد: شارژ ۵- سَامِحِينِي: مرا ببخش

۶- أَنْتِ عَلَى الْحَقِّ: حق با توست ۷- أَبْدُلُ: عوض می‌کنم

✓ ✕ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ.

١- الْكَاسُ زُجَاجَةٌ يُشْرَبُ مِنْهَا الْمَاءُ أَوْ الشَّيْ أَوْ الْقَهْوَةُ.

٢- يُمَكِّنُ شِرَاءَ الشَّرِيحَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْإِتِّصَالَاتِ.

٣- الرَّاسِبُ هُوَ الَّذِي مَا نَجَحَ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ.

٤- عُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الرَّبِيعِ بَدِيعَةٌ جَمِيلَةٌ.

٥- يُصَنِّعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: صُغِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

الْفُلُوتِ / بُعْدٍ / وَدٍّ / مَصَانِعُ / بَدَلٌ / فَتَّشَ / اللَّيْلِ / يَرْضَى

١- الْغَدَاةُ بَدَايَةُ النَّهَارِ وَالْعَشِيَّةُ بَدَايَةُ

٢- رَأَيْنَا الشَّاطِئَ عَنْ عَبَرَ الطَّرِيقِ.

٣- رَجَاءٌ هَذَا الْقَمِيصُ؛ لِأَنَّهُ قَصِيرٌ.

٤- فِي لَا تَعِيشُ نَبَاتَاتٌ كَثِيرَةٌ.

٥- الشَّرْطِيُّ حَقَائِبَ الْمُسَافِرِينَ.

٦- أَخِي قَانِعٌ، بِطَعَامٍ قَلِيلٍ.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ.

يا عَلاَمَ الْغُيُوبِ: يا سَتَّارَ الْغُيُوبِ:

يا غَفَّارَ الذُّنُوبِ: يا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ:

يا سَامِعَ الدُّعَاءِ: يا غَافِرَ الْخَطَايَا:

يا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ: يا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

يا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مَحْمُودٍ: يا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ:

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعِدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً».

١- الرُّكْبُ ○ إِبْتِعَادُ الصَّدِيقِ عَنِ صَدِيقِهِ أَوْ الزَّوْجِ عَنِ زَوْجَتِهِ.

٢- الْكِرَامَةُ ○ هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ.

٣- الْوَكْرُ ○ زِينَةُ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ.

٤- الْهَجْرُ ○ شَرَفٌ وَ عَظَمَةٌ وَ عِزَّةٌ النَّفْسِ.

٥- السَّوَارُ ○ بَيْتُ الطَّيُورِ.

٦- الْمَلِيحُ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(اسْمُ الْفَاعِلِ)

٢- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ)

٣- عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفٍ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ، وَالْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٤- الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوِّءِ.

.....
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)

٥- كَانِمُ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْثُ فِي الْبَحْرِ، وَالطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ.

.....
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....
(اسْمُ الْفَاعِلِ، وَالْجَارُ وَالْمَجْرُورُ)

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنةِ.

١- ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ التَّمَلَّ : ٦٥

٢- أَلْسُكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فَضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- أَلْكُتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



٤- ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَةُ النَّاسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع

٥- زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع

❁ أَنْوَارُ الْقُرْآنِ ❁

كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ

۱- ﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾

و کسانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت ، و هنگامی که می بخشایند.

۲- ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾
و کسانی که [خواستۀ] را برآوردند و برپا داشتند؛

۳- ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾
و در میانِ آنها مشورت هست؛

۴- ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾
و از آنچه به روزی دادیم انفاق می کنند.

۵- ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾
و هرگاه به آنان ستم شود، یاری می جویند؛

۶- ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾
و سزای بدی، بدی است؛

۷- ﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾
پس درگذرد و اصلاح کند، پاداش او بر [عهده] خداست؛

۸- ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾

زیرا او ستمگران را الشُّورَى: ۳۷ إلى ۴۰

أَيُّهَا الزُّمَلَاءُ ؛
إِلَى اللِّقَاءِ ،
نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ ؛
حَفِظَكُمُ اللَّهُ ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ .

